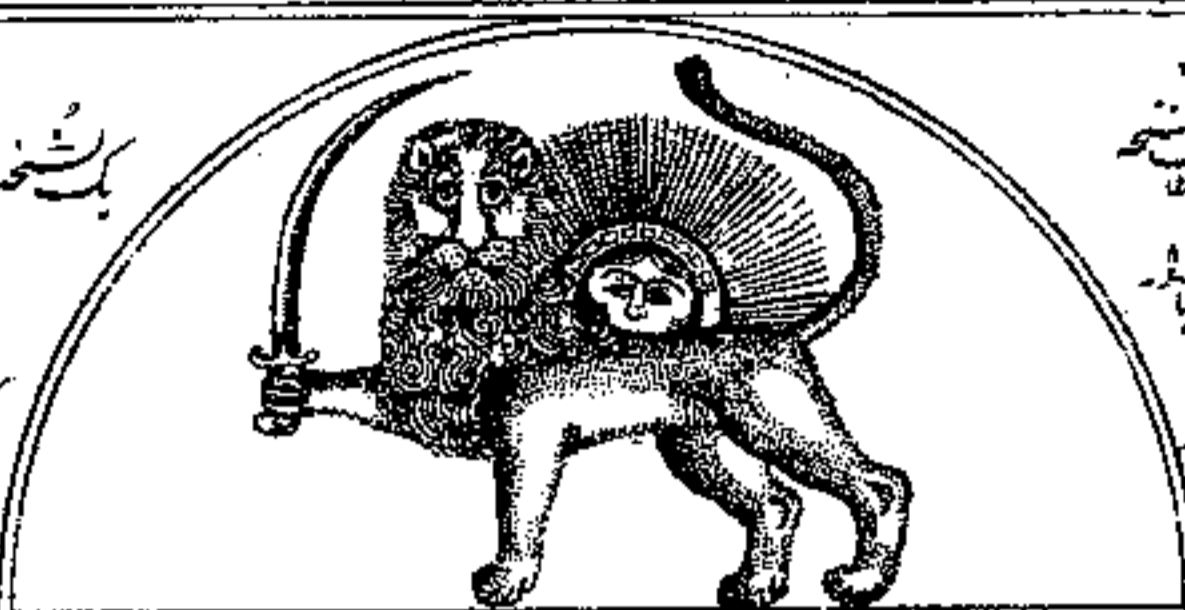


روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ روز شنبه بیستم ماه حیب المرجب سنه ۱۲۶۸

روز شنبه بیستم  
هرگز و طهرین باشد  
ازین دور تا باشد  
جدید در کالبد  
بلور فرشته خسته



میت روزنامه  
یکشنبه تا چهارشنبه  
قیمت اعلانات  
یک سطر تا چهار سطر  
بیشتر با هر سطر

اخبار و احداث مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه شانزدهم ماه حیب که شب جمعه و از  
ایام متبرکه که اسلام است اعلیحضرت پادشاهی بجهت  
زیارت روضه شریفه اما مزاده واجب التقطیم حضرت  
شاهزاده عبدالعظیم علیه و علی آباءه آلاف التحية و التسليم  
سوار شدند و از دروازه جدید محمدیه بیرون نشین  
برده بزیارت رفتند و بعد از زیارت روضه مطهره  
راجعت بدارالخلافه طهران فرموده از راه دروازه دولت  
بازگشت و عمارت مبارکه سلطانی شرف نزول از آنجا  
داشتند

افواج مرصخانه در خارج شهر باین قراولخانه های دروازه  
دولت و دروازه قدوسین که جای چهارصد نفر باشند  
و ملحق و عنبره و آباشه فرمایش شده و بجهت توپخانه  
چون اینبار توپخانه و سعت کجایش آنرا اندارد و در  
همان اینبار اینبار توپخانه جدید که جای یکصد سواره توپ  
با توپخانه داشته باشد فرمودند که ساخته شود و  
قراولخانه نیز برسی و وقت باب قراولخانه های شهر  
که افزوده شود و کارخانه بوسازی و چینی سازی نیز  
در قورخانه مبارکه میدان حساب لایمها بون ساخته شد  
باغات و عمارت بیرون شهر از قبیل لاله زار و نگارستان  
و قصر قاجار و غیره دریاچه و بیوتات آنها در کمال خوبی و صفا  
تعمیر میشود و حکم بانام عمارت جدید و دران و بازاری در  
که مشتمل بر یکصد باب دکان باشد فرموده اند و در  
که در سر راه شاهزاده عبدالعظیم واقع است چون گاهی  
موکب های بون از آن طرف زیارت شریف فرامی شوند  
مقرر فرموده اند که عمارتی سه مرتبه در آنجا ساخته شود و در  
تمامی این کارها عا لپجاه محمد تقی خان پاشا بنشیند و عمل کرده باشند

۳۷۵

و مقرراتی که درین سال عمده فی سوابق را بنا نهاد  
 احوال درین دولت جاوید مدت علیه برینت آبادی و عمارت  
 شهر طران و اطراف آن نسبت بر بناهای بسیار افزود  
 شده است و اینست که باقصای رای جهان آرای مایون  
 و اهتمام آشنای دولت علیه روز بروز آبادی و عمارت و  
 دارا اختلاف طران زیاد تر شود

از فراری که در اخبار ماه جمادی الثانیه نوشته بودند مقرب الخاقان  
 میرزا جعفر خان شیرالدوله و عالیجاتان مامورین دولتی  
 انگلیس و روس که مامور بر شیخ سرحدات در صفحات  
 عربستان و لرستان و کرمانستان استند بسبب  
 جناب درویش پاشا از پیش آنها معطل هستند و مامور  
 در خدمت آنها حاصل مانده و اگر بر سبیل صحبت شخصی  
 بخواهند حرفی از خطوط سرحدات بمیان بیاورند  
 مامورین دولتی نهیستین میکنند که ما و امی که جناب از پیش  
 حاضر نشویم هیچ قسم گفت و گو نمیکنیم

عالیجاته شیخ خان مصلحت گذارد دولت علیه ایران مقیم لندن  
 از فراری که در روزنامه لندن نوشته اند این اوقات بحضور  
 علیاحضرت پادشاه انگلیس در سلام عام مشرف شده  
 و خود جناب جلالت تائب و زبردول خارج پادشاه  
 مشارالیه را بحضور برده اند و بعد از آنکه ماموریت عالیجاته  
 مشارالیه را جناب وزیر دول خارج خدمت پادشاه  
 بر حسب قانون آن در خانه عرض کرده بود خود عالیجاته مشارالیه  
 نیز عالیجاته میرزا ابراهیم میرحسین اول سفارتخانه و سایر  
 که مسرا او بودند معروف خدمت علیاحضرت پادشاه  
 انگلیس نموده بود و لازمه انقاعات و اظهار شهادت و کمالی بود

بعالیجاته مشارالیه شده بود  
 امورات قشونی

چون حسن خدمات نواب شاهزاده نصره الدوله حاکم آن مملکت فارس  
 در نظر آقاقدس علیحضرت پادشاهی بسیار سخن پسندید  
 افتاد و محبت لوکانه چنان اقتضا کرد که نواب معزی السیر  
 بشمول محنتی خاص قریب از از و اختصاص فرستادند لهذا  
 یک قطعه نشان مرتبه اول میرنخدی و یک بند  
 سرخ و سفید مخصوص مرتبه میرنخدی که نواب معزی السیر  
 مرحمت و عنایت فرستادند

چون اشخاص مفصل در خدمت نواب شاهزاده نصره  
 خدمات شایسته در کرسیات فارس عمل آورده بودند  
 اولیای دولت قاهره حسب الاشارة العلیه در جوز  
 منصب هر یک بدینوجوب نشان مرحمت عنایت کردند

نایب اول و غیره	دکبر و غیره
نشان	نشان

عالیجاته دو پوچان لغز با کلا 2  
 صاحب کلاه  
 نوبت آن در این  
 نوبت آن در این  
 نوبت آن در این  
 نوبت آن در این  
 عالیجاته جعفر قلیخان با در نوچان مبارک که سبب خدمات  
 در کرسیات فارس کرده بود منصب سرهنکی سرافراز  
 شده و فرمان مبارک در باب منصب مشارالیه شرف  
 صد دریافت

در روز سه شنبه میت و یکم اینماه فوج بهادران بصره  
 آقا جانخان از آذربایجان وارد شده در میدان ارک  
 علیحضرت پادشاهی محض محبت لوکانه بمیان فوج مزبور  
 تشریف فرما شدند و بجا حبس مصعبان و سر بازان  
 فوج

مژبور کمال لغات مسذول داشته و انعام حمت  
 فرمودند و جناب جلالت تاب صدر اعظم در آن  
 دو دفعه بمیان فوج مژبور رفتند دفعه اول خود  
 بمیان فوج مژبور رفتند و کمال مهربانی در باره آنها نمودند  
 و دفعه ثانی در رکاب مبارک اعلیحضرت پادشاهی  
 رفتند و فی الحقیقت عالیجاه مقرب امخاقان میر افضل  
 وزیر نظام فوج مژبور را با کمال آراستگی و تدارک  
 کلبه ای کلی پاکیزه و کلاههای بان شان که نشانها  
 کلاهها در نظر افسر سپاه بون بسیار پسندید و آید  
 کرده بود و فوج مژبور را مسلوک و رفتار و اتمام مقرب  
 وزیر نظام کمال شکر گذاری را نمودند و عالیجاه آقاخان  
 سرنگ فوج مژبور چون قدیمی و نظام دان است  
 بسیار با نظم و انضباط آمده بود که از حسن رفتار  
 رعایای منازل عرض راه راضی بودند

عالیجاه مقرب امخاقان عباسقلیخان سرتیپ افواج قزوین  
 بر حسب حکم اعلیحضرت پادشاهی این اوقات از رکاب  
 نصرت منتسب جهت گرفتن کسرافواج قزوین و فوج جدید  
 بکشور رسانیدن بموجب آنست و در پنجم این ماه روانه  
 قزوین گردید

عالیجاه مقرب امخاقان محمد یوسف خان سرتیپ افواج خواجه  
 و عبد الملکی در روز نوزدهم این ماه از رکاب نصرت  
 جهت گرفتن باقی سرباز و پادار نمودن سواره خواجه و  
 رساندن بموجب آنها رخصتی حاصل ساخته و روانه  
 عالیجاه خانبا با خان پیر مقرب بان عباسقلیخان سرتیپ افواج

قزوین این اوقات بلاخط شایستگی و قابلیت ظهور هر چه  
 در باره او حسب الامرایین منصب سربازی فوج قدیم قزوین  
 سرفراز گردید و خلعت مهر طلعت بافتخار مشارالیه حمت شده  
 که لازمی و نظم فوج مژبور بپای آورد

سواره شاهسون اروایلات قزوین در واجب شایسته و  
 چهل روزه خود را از خزانه عامه در اطلاق نظام نقد گرفته سواره  
 ایلات روز یکشنبه روانه خراسان شده و سواره مسون  
 نیز در پنجشنبه بیستم روانه می شود

توپچیانی که بجهت ساخوی ولایات از آذربایجان و سایر جاها  
 احضار شده بودند کلاً حاضر رکاب مبارک شده اند که در  
 مانده اند که آنها نیز در این اوقات خواهند رسید و حسب  
 سفر است که توپچیانی که از غره ماه سبحان باید ولایات بروند  
 تا پنج بدون تخلف باید روانه شوند

عالیجاه آقاخان سرتیپ در برستم این ماه از رکاب سپاه بون روانه قزوین  
 جهت گرفتن کسیر با فوج ایلات قزوین رساندن بموجب فوج مژبور و سواره ایلات  
 ابو ایجمی خود که بعد از رساندن بموجب دیدن این ماه مبارک  
 سرباز و سواره بکابل بون آورده اند

سار و ولایات  
 در اکثر ولایات مالک محروسه درین اوقات بارندگی نبوده  
 شده است از جمله در حوض سلطان از قراریکه در روزنامه قدیم نوشته بود  
 باران زیاد آمده و نهر و راههای را که آب از آنجا محض می رسد  
 و از خاک پر کرده است اولیای دولت قاهره مقرر است که آرد می  
 رفته آنچه خرابی با آنجا رسیده است نماید که در وین بجهت  
 معویت بکشند زیرا که آب منزل مژبور بخرمکان حوض است و اگر در آنجا  
 خرابی هم رسیده بی بی مژبور درین به خواهد که است

اصفهان

این اوقات ادلیسای دولت قاهره محض ملاحظه حال عت اصفهان  
حسب الامر علیحضرت پادشاهی مبلغ یازده هزار تومان  
بصیغه تحقیف در باره آنها حمت و عنایت فرمودند که  
تا وسعتی برای آنها حاصل شده در ادای عقبیه مالیات  
دیوانی خود بسهولت و آسانی ارجحند

در سزاها بحسب فرمان خاقان مغفور طاب ثراه جماعت  
علاقه و خباز اصفهان از مالیات دیوانی معاف بودند  
لکن حکام آنجا هر سال سالی دو هزار خرد آبرسن یا آنها طرح کرده  
خرداری و تومان تفاوت جنس را از آنها مطالبه و در باره  
میشود و مراتب عرض علیحضرت پادشاهی رسیده محض  
ملاحظه رفاه حال جماعت خباز و علاق فرمان مبارک  
شرف صد دریافت که مثل عهد خاقان مغفور از مالیات  
دیوانی معاف بوده بعد ازین جنسی که با آنها طرح شده و تفاوت  
قیمت آن از آنها دریافت میشد بجای موقوفه متروک

العلیه  
در سیم چنین اوقات ادلیسای دولت قاهره حسب الامر  
مبلغ سه هزار تومان و کثری بر ستمرات ارباب و ظایف  
اصفهان افشردند که نوع وسعتی در امر معاش آنها  
حاصل شده مشغول دعاگونی دوام دولت علیه با

لبطام و شاهرود  
از امور غریبه که این اوقات شایع شده است در  
روزنامه لبطام نوشته اند که درین روزها بزغال در آنجا  
بسم رسیده است که چشم داشته و یک چشمه آن  
در چشایی بوده است

از قراریکه در روزنامه شاهرود نوشته اند درین اوقات  
بارندگیهای پی در پی و نافع و بموقع در آنجا شده و حاصل آنجا  
خوب شده است در شب پنجم ماه حبس ساعت از  
شب گذشته زلزله شدیدی هم نوشته بودند که در آنجا  
شده است و لکن از تفصیلات حتما و ندی چند ان  
ضرری نرسانده است

از قراریکه نوشته بودند عالیجناب مرئضی قلیخان حاکم شاهرود  
درین روزها استاد و عملی بنا و بجهت تنقیح قنات  
شاهرود روانه کرده است و در آنجا کاری کنند و آب آنجا  
زیاد شده است و بجهت تعمیر قلعه و قنات حتما و نیز بنا  
و عمل و مستثنی روانه نموده و در آنجا مشغول میباشد قلعه  
مزبور را تعمیر خوب کرده و قنات آنجا را منقوح نموده اند

بطوری که حال قلیل آبی بسر رسیده و جاریست بقدریکه  
سکنه آنجا نمیتوانند آمد در آنجا سکنی نمایند و دیگر کهنی  
پل ابریشم نیز جانی است که قلیل آبی دارد و برج مضبوط  
در آنجا است و آنجا را اجرات مینامند و حال چاه شارانیه  
در آنجا نیز فرستاده است که قلعه بازند و استمام کامل در

آبادی سنازل آنجا دارد که برای امورین و عابرین مترو درین  
قافله دز و آرنوع رفاه و آسایشی حاصل شده صعوبت نکشند  
عالیجنابان اسکندر خان سمرنگ مرانه و جانمحمد خان سمرنگ  
فوج خلیج رساده که مأمور خراسان بودند نوشته اند از منازل شاهرود  
و سایر منازل عرض راه خراسان بسیار بانظم گشته اند  
که خلائی هیچ وجه از سربازان آنها ظاهر نشده و مالی منازل  
کمال رضامندی از نظم آنها داشته اند

کمال رضامندی از نظم آنها داشته اند

اخبار دول خارج

انگلیس بعضی از اهل شهر لندن جمع شده اند و عریضه  
 بانسای دولت نوشته اند در خصوص اینکه درین ایام  
 صلح که دولت بنا گذاشته اند که قشون را زیاد نکنند  
 مانند تدارک جنگ میماند و این عرض چنان چنان شده  
 که چون دولت فرانسه و سایر دول روی زمین درین  
 اوقات منتهی دوسنی و یگانگی و اتحاد نسبت بدو  
 انگلیس دارند قشون زیاد نمودن و خرج دولت با بیشتر  
 کردن هیچ صلاح دولت نیست و این عریضه را پوریر اعظم  
 دولت انگلیس داده اند

بعد از مغزول کردن لارید جان رسل و سایر وزراء را در  
 ولایت انگلیس و نامور کردن لارید در تپی و دیگران را بجای  
 آنها گفتگونی در میان خلق بوده است که دور نخواهد بود  
 که پادشاه حکم بکند که وکلای رعایا از کل شهرها و  
 بلوگات انگلیس دوبار معین شده در پای تخت بشوند  
 اما اگر این فسر داده بشود تا تابستان آینده طول خواهد  
 کشید

فرانسه

گفتگونی باین دولت فرانسه و دولت سویس و زیبا  
 فراریا که در آن مملکت هستند از فراریا که در روزنامه نوشته  
 بسخنی انجامیده است دولت فرانسه از انسای دولت  
 سویس خواهرش کرده اند که فراریسای مزبور را چون در  
 فرانسه اقامت دارند و افتاد در آن ولایت می کنند  
 باید حکم از آن ولایت بیرون نمایند و اهل سویس این را  
 قبول کرده اند و میگویند که دولت فرانسه حق آنرا ندارد  
 که این طور حکم و دخل و تصرف در مورات مملکت سویس کند

و اهل آنجا از تکلیف دولت فرانسه بسیار متغیر و خجسته خاطر  
 شده اند اما بعضی از مفیدین را که بخود اهل سویس محسوب شده  
 که شرارت در ولایت فرانسه میگرداند از آن ولایت بیرون  
 کرده اند و بعضی را هم که در سرحد بسته بودند بیان ولایت  
 برده اند و سعی می کنند که طوری نمایند که در قوه مفیدین بنا  
 که دوباره افتاد و در آن ولایت بکنند

در روزنامه فرانسه تیر در باب انگلیسها قشون خود را زیاد و  
 مخارج خود را بیشتر میکنند نوشته اند که بسیار تعجب کرده اند  
 و در کل روزنامه های پای تخت فرانسه نوشته اند که دولت  
 فرانسه غیر از آنکه نظام در ولایت خودشان بگذارند و رفع ضرر  
 و خسارت چند سال را بکنند هیچ فکری دیگر ندارد بخصوص نسبت  
 به دولت انگلیس که درین روزها هیچ بحث و گفتگونی که دلیل  
 بر مغایرت باشد ندارند و گذشته از آنکه در میان دو لشکر

و بعضی گفتگونی نیست اهل فرانسه که طالب صلح و خیر ولایت  
 خودشان هستند میخوانند که بدولت انگلیس و کل دول روی زمین  
 دوسنی و یگانگی تمام داشته باشند

در مملکت جزیره العرب که در تصرف فرانسه است بعضی از قبایل  
 نسبت بر رعایای فرانسه که در آنجا ساکن اند بجایی نموده و در بعضی  
 جاها تاخت و غارت کرده بودند و دولت فرانسه نیز قشون با نظر  
 فرستاده بودند که رفع حملات قبایل ببرد بکنند

سایر ولایات دول خارج

در میان روزنامه هاییکه از سایر ولایات دول  
 خارج بمبسا شترین روزنامه رسید چیزی دیگر نبود که  
 قابل نوشتن در روزنامه گزیت باشد مگر آنچه در احوالات  
 مشرق نوشته می شود

احوال متفرقه

در یکی از روزنامه های فرانسه در خصوص طلا که حال در چند  
 جای روی زمین فراوان بیرون می آورند باینطور نوشته اند  
 که درین روزها در مملکت استرالیای طلا فراوان در می آورند  
 از برای دولت فرانسه لازم است که طوری نماید که از  
 زیاد شدن طلا داد و ستد میان مردم مخفی شود و دولت  
 پیش ازین اکثر پول رواج مملکت فرانسه بود در مملکت فرانسه  
 یک ضربخانه دارند که طلا که میرند بهشتان پیش ازین  
 موافق حساب ایات در یک سال صد و نوزده هزار فرانک  
 یا زده هزار و نه صد تومان پول ایران باشد طلا که کرده  
 و باقی که در آن ضربخانه زده بود تا از نقره بود اما در سال گذشته  
 پنجاه و چهار کرد پول طلا در ضربخانه فرانسه که زده بود  
 و نقره بسیار کم زده شده بود معلوم است که نقره که در  
 ولایت فرانسه بود بیرون میزد و در ممالک روی زمین  
 متفرق می شود سابقا نقره در فرانسه نقد فرسودان بود  
 و طلا کم باب که طلا جزئی صرف داشت حال کم مانده است که  
 نقره صرف بهیم برساند اگر چه تا بحال قیمتش چندان تنزل  
 نکرده است و از آنکه نقره مانند طلا کمتر قیمت ترقی و تنزل  
 میکند بجهت پول رایج نقره بسیار از طلا بهتر است و اگر  
 دولت فرانسه درین باب قسری نمید طلا درین بابی  
 نصف این قیمت که حالا دارد نخواهد داشت و نصف آن نصف  
 خواهد کرد در مملکت فرانسه قرار می گذاشته اند در خصوص  
 طلا و نقره این است که پانزده مقال و نیم از نقره در عوض یک  
 مقال طلا رواج باشد و این قسرا حکم است از دیوان  
 حال گفتگو کرده اند که این قسرا را برهم بزنند و

بطوری قیمت نقره و طلا را ببندند که نقره با نقره از طلا  
 فرانس پرورن زود اگر چه در باب فرسودان سدن طلا  
 در کلی فارسیای یسکی دیناد در استرالیای درین روزنامه باینطور  
 نوشته است و لکن در سایر روزنامه های دولت خارج  
 چنین مضمونی نوشته اند و معلوم است که در اکثر جاهای روی  
 زمین از قبیل یسکی دینا و انگلیس و هندوستان چین  
 که تجارت عمده روی زمین در آنجا است طلا چند ان  
 تنزل کرده است بخصوص در خود دولت یسکی و بنای شمای  
 که کلی فارسیای یکی از ممالک او می باشد در شهرهای آنجا  
 طلا نقد تنزل نکرده است که اقتشاش در داد و ستد  
 مردم هم برسد اما در اول در آوردن طلا از معدن کلی فارسیا  
 که فراوان بیرون آورند بسیار مردم حساب میکردند  
 که در مدت یک سال نصف آن تنزل خواهد کرد  
 در اول برهستان گذاشته در ضربخانه فرانسه پول نقره  
 زدند که در بیکر و بیش صورت لویی ناپلیان درین وقت  
 و آن نقش بود و این پول هر یکی پنج فرانک بود که تخمینا  
 پنج هزار و دینار پول ایران باشد و سه هزار عدد ازین  
 پول زدند اما از آنرا که شکل آن چندان شباهت بلوی  
 ناپلیان نداشت زدن این پول را موقوف کردند و  
 قالب را دو باره ساخته اند و بنا دارند و باره که  
 بزنند  
 در روزنامه آشنای پای تخت یونان نوشته اند که  
 صاحبان املاک و زارعین آن اطراف بسیار  
 شکستگی می کنند اکثر زراعت آن اطراف از سبزه باغ  
 خصوصه از تاک انگور که گمشد ریزه دارد خشک می کنند

دولایت انگلیس میفرستد پیش ازین تجار آن اطراف پیش از آنکه حاصل برسد صاحبان املاک و

زارعین پول میدادند و در وقت رسیدن حاصل

گشتن از ایشان میکردند و حساب طرفین از

هم مفرغ می شد حال تجارت نخواه پیش میزدند

از آنجست صاحبان املاک و زارعین بسیار عسر

و تنگ دستی می کشند و این گشتن هم در فرنگستان

زیادت منزل کرده است اهل آن اطراف عریضه بزرگ

دولت خودستان نوشته اند و استدعا کرده اند

که دولت یونان از استنای دولت انگلیس خواست

نکندند که مگر کی که در ولایت انگلیس از این گشتن گرفته

میشود کمتر نمایند که این گشتن در ولایت انگلیس خوب

بفروش برود که رفعت و تشکستی رعایای

یونان بشود و امید داشتند که بسبب دوستی

دولتین دولت انگلیس این مرحله را قبول نکند

و مگر گشتن را کمتر نمایند

گشتنهای بجا بزرگ که مابین ولایت انگلیس و

بینک و سیای شمالی تردد میکنند حال بسیار

تیز رفته اند یکی ازین گشتنها درین روزها بولایت

انگلیس وارد شده است در روز شنبه شانزدهم

ربیع الثانی از شهر نیویارک بینک و سیای شمالی

روان شده است و در روز شنبه بیست و هشتم

ماه مریور شهر لوزره پول منزل اول ولایت انگلیس رسیده

با اینکه مابین شهر نیویارک بینک و سیای شمالی و

شهر لوزره پول انگلیس تخمیناً هشتصد فرسنگ فاصله

میشود و در شبانه روز گشتی مزبور این مسافت را طی

نموده است

در روزنامه های لندن چیزی غریب نوشته اند در باب

شخصی ساعت ساز که میخواسته است خودش را

بکشد با اینطور که دو طرف یک تخم مرغ خاکی را سوراخ

کرده و میانش را خالی نموده بود و بعد از آنکه خشک

شده بود از بار و طر پر کرده بود و تخم مرغ را بدین خود

گذاشته و با کبریت فشرکی آتش زده بود بار و طر

گرفت اما این شخص هلاک نشد و در این طور زخم دار

پیش دیوانیان آوردند دیوانیان از او تحقیق کردند

که چرا چنین کاری کرده ای گفته بود که من خودم نمیدانم

بلکه مست بوده ام یا دیوانه دیوانیان او را به بیمارخانه بستادند

در شهر غنمش در ملک مشه در میان حصار و قلعات آنجا

ریز زمینی پیدا کردند چند نفر از علم نظام مند سربان

ریز زمینی را رفته بودند که تفسیر نمایند وقتی که پروان

آمدند در ریز زمینی را بستند دیدند که یکی از آنها نیت سپاه

تعبیر کردند اما بیان ریز زمینی نگاه نکردند تا شش روز

دیگر بعد از آن که در ریز زمین را کشودند این شخص را در آنجا

جستند شش شبانه روزی غذا و آب در آن ریز زمینی

انده بوده است و از شدت گرسنگی یاد یواکی گوشت

ساده خود را جا دیده بود وقتی که پروانش آوردند

زنده بود اما بعد از چند ساعت مرد

اعلی حضرت امپراطور استریت در هنگام غم و پشیمانی

سجری آن دولت که در سحر سفید بیاض چندین قرا

۳۸۱



که داشته اند بخصوص قشون نظام بحری و جواهری که برادر خود پسر  
سزنگ کشی کرده اسب و جب الامر قرار است که درین  
فضن چهار روزانه ملک بریوزی تویسکی دنیا بشود و در قصبه  
نیز تفرشده است که کشی سازخانه و قورخان بر اینجست  
و دو کشی دیگر تازه در آنجا ساخته میشود که بر یک سستی پنج  
توپ بتعارفی و دو توپ بزرگ باید داشته باشند  
از اخراجات این راه را خود سلطان خواهد داد و

شش سال پیش ازین در فرمانه قرار گذاشتند که در  
میان جعبه و باستیانها و چهار شهر پاریس توپها بگذارند  
در آن اوقات خلق ازین گذارش راضی نبودند و در شورش  
گفتگوی زیاد درین باب شده بود تا آخر قرار شد که توپ  
و اسباب حرب در آنجا بگذارند درین روزها با زبان توپها زانو  
کرده اند و تا بحال شش هزار توپ در باستیانهای جلو  
و سایر جایهای برجها و حصار از چوچون و برنج گذاشته اند و  
و باز هم در تدارک اند که قلعهها و حصار آنجا را مضبوط و محکمتر

کار را بر راه خواهند انداخت

### اعلانات

کتابهای چاپی که در دارالخلافه طهران در کارخانه حاجی عبدالحق  
باسمه در نزدیکی دروازه دولاب الطباع شده ازین قرار مرود  
میشود

کتاب شایسته	چهار تومان و نیم	۴۰۰
کتاب محسن السعاده	دوازده هزار	۱۲۰۰
کتاب حبه نطفه	نه هزار و سیصد	۹۰۰
کتاب جویز	شش هزار و سیصد	۶۰۰
کتاب سبک	شش تومان	۶۰۰
کتاب مدارک	سه تومان	۳۰۰
کتاب شکل	هفت هزار	۷۰۰
کتاب قاموس	دو تومان	۲۰۰
کتاب تعبیر نامه	پنج هزار و سیصد	۵۰۰
کتاب کلمات	شش هزار و سیصد	۶۰۰

شش سال پیش ازین در فرمانه قرار گذاشتند که در  
میان جعبه و باستیانها و چهار شهر پاریس توپها بگذارند  
در آن اوقات خلق ازین گذارش راضی نبودند و در شورش  
گفتگوی زیاد درین باب شده بود تا آخر قرار شد که توپ  
و اسباب حرب در آنجا بگذارند درین روزها با زبان توپها زانو  
کرده اند و تا بحال شش هزار توپ در باستیانهای جلو  
و سایر جایهای برجها و حصار از چوچون و برنج گذاشته اند و  
و باز هم در تدارک اند که قلعهها و حصار آنجا را مضبوط و محکمتر

شش سال پیش ازین در فرمانه قرار گذاشتند که در  
میان جعبه و باستیانها و چهار شهر پاریس توپها بگذارند  
در آن اوقات خلق ازین گذارش راضی نبودند و در شورش  
گفتگوی زیاد درین باب شده بود تا آخر قرار شد که توپ  
و اسباب حرب در آنجا بگذارند درین روزها با زبان توپها زانو  
کرده اند و تا بحال شش هزار توپ در باستیانهای جلو  
و سایر جایهای برجها و حصار از چوچون و برنج گذاشته اند و  
و باز هم در تدارک اند که قلعهها و حصار آنجا را مضبوط و محکمتر

### نامند

تاریخ کاغذ آخر که از هندوستان رسیده و در روزنامه چاپ  
زده اند از شهبازی بیت و چهارم ربيع الاول بود نوشته اند  
که فرزانهای هند و سنان بستان شهر گلکته آمده بود و  
میگفتند که چند ماه در آنجا توقف خواهد کرد در اگر مالک هندوستان  
اینست بود مگر در سرحد پنجاب که طایفه سرحدین آنجا خست  
و تا زوجه جتایی و شتر از سبک کردند از شهر کانتان چین  
کاغذ بود و لکن در میان آنها چیزی نبود که قابل نوشتن  
در روزنامه گزینت باشد

در روزنامه پیدایش نوشته اند که دولت انجلیس



روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز پنجشنبه شهر محرم مطهر سال سی و چهارم ۱۳۶۸

نیمت روزنامه  
یکشنبه شب تا چهارشنبه  
قیمت اعلامات  
یک سطر چهار سطر که در هر سطر  
بیشتر یا کمتر



نزدیکت به ششم  
بر سر دولت کابینه  
دین روزنامه با ششم  
جدید در دو کانسید  
بلور دس فرخنده

اخبار واحسانه ممالک محروسه پادشاهی

دار الحکومه طهران

در روز جمعه گذشته اعلیحضرت پادشاهی بجهت تفریح  
و تماشای باغ لاله زار که درین فصل بسیار بخرمی و طراوت  
اشجار و دوز کل سرخ و سایر ریاحین شتهار و از  
یکی از باغات خوب سلطنت تشریف فرمایند  
و چند روز در آنجا توقف و تفریح میفرمایند و جناب  
جلالت اب صدر اعظم درین چند روز ملتمس رکاب  
حضرت بنسب اندو امنای دولت علیه و چاکران  
همایون نیز هر روز در باغ مزبور شرفیاب حضور اعلیحضرت  
پادشاهی میشوند و آنچنین درین اوقات که بهترین فصول  
خوشترین ایام است باغ مزبور کمال خرمی و حضرت و صفا  
دارد و چون هر ساله در موسم کل سرخ چند روزی یک  
همایون در آنجا توقف و تفریح میفرمایند امسال نیز تقریباً  
هر ساله چند روزی در آنجا تشریف فرمایند  
در خصوص بنسب مینکی دنیا که تخم او را حسب حکم  
امنای دولت علیه بدار اختلاف طهران بجهت کاشتن آوردند  
و تفصیل طور کاشتن آن در روزنامه گذشته

شده حسب احکام این محکم در میان چند نفر از امرای و اعیان  
و صاحبان املاک و دار الحکومه طهران و اطراف تقسیم  
و از آنرا که تقسیم کردن تخم بنسب مزبور در دست  
روزنامه بود و خواستش میکند که هر کس که این بنسب  
می کارد در دست محافظت نماید که معلوم بشود در کدام  
جانب بعل می آید و آب و هوای کدام زمین بهتر باشد  
میکند و مینکی دنیای شمالی که اینقدر از زمین پخته  
میکارند و خوشتر چند سال بماند اما هنوز معلوم نیست که  
در ولایت ایران نیز آن طور بماند یا نه که باری بعضی از  
ممالک محروسه ایران مانند مینکی دنیای شمالی  
بماند و درخت بشود و مستر است مکن که با سال  
این بنسب را در ارومی آذربایجان کاشته و خوب  
بعل آورده است نوشته است که درخت آن بماند  
یا در آورده اند و در غایت که آنچه در ارومی کاشته  
شده طاقت سرمای آذربایجان را نیاورد اما در کربلا  
عربستان و فارس و غیره ظاهر این است که خوب  
و تا چند سال بارید

در روز یکشنبه نوزدهم شهر حبيب المرجب عالیجاه حاجی علی  
ملک التجار بیدار بوشهر بخلعت مهر طلعت اعلی حضرت پادشاه  
و شریف انسانی دولت علیه سر او از و شرفیاب حضور بایان  
و مورد نوازشات ملوکانه گردید

و هم چنین چند یوم قبل خبر حاج حاجی محمد حسین تاجر قدس  
بلاخط خدمتگذاری مورد عنایت گردیده بخلعت اقباب  
اعلی حضرت پادشاهی گریه

در روزنامه اخبار تهران نوشته بودند که حاج میرزا کاظم میر حاجی محمد  
جوهری پسری بس مشایخی دارد چون پدرش با تنگ  
گرفته و عمرت میداده است غرض با تنگ شده یک جعبه  
جوهر که زیاده از دو هزار تومان قیمت داشته است برداشته  
و بدست پیره زنی سپرده خود فرزند بزرگوار بختیار  
کسان او مطلع شده بزرگوار بختیار رفت هر چه از او تحقیق کرده  
بودند او منکر شد و گفته بود اطلاعی ندارم و پیره زن نیز جعبه جوهر  
بجانه شخصی خیار برود و دستهای خود که پنهان نماندند پس این  
خیار مطلع شده که در شهر اردخنده عالیجاه محمود خان کلا  
اطهار نموده مشارالیه فرستاده است که جعبه را بیاورد پیره  
مطلع شده و خود پنهان نمود بود و جعبه نیز عالیجاه کلا  
آورده اند و بدست صاحب سپرده فسخ گردید

و بگوشته بودند که کر بلانی حیدر نام ملاف نان خریده و بجانه  
خود آورده بوده و پنجاه و سه دان اشرفی ششده بوده  
گروه و بدست زن خود سپرده و بیرون رفتند از تنگ  
کیه پول را در روی نانها گذاشته و مشول کاری دیگر بوده  
طفلی داشته است پس چهار سالگی آمده است که نان بردارد  
کیه پول را دیده و لایشری اطلاع داد بر پیره و بگوشته

بعد از ساعتی که ضعیف ملقب پول شده و دیده است که پول  
نیت مضطر بانه چادر سر نمورد و بیرون آمده است که برود  
به گان شوهرش و از او تحقیق نماید طفل خود را در کوجه دیده است  
که کبیه پول در دستش است و بازی می کند کبیه را گرفته و  
بجانه آورده و ششده است دست بوده و عیب و نقصی نگرد  
و کسی در کوجه بخند جبرست کرده بوده است که پول را از دست  
آن طفل بگیرد

سبب ایندکی بسیار که درین ایام بهار شد آب  
رودخانه جابرد و طغیان کرده و چند روز قبل خانرا می  
را در حین عبور غلطانده و هلاک کرده بود که نفس او را  
آب سپردن آورده بودند  
امور است قشونی

در روز یکشنبه طرف عصر سرکار آقا سید باذن شایسته  
بجته ملاحظه فرمودند توپچانی که از آذربایجان و سایر ولایات  
حاضر گاه شده بودند میان آنها آمده و در باره هر یک  
التفاتی فرمودند و چند نفری از توپچان بزوره که پیرو ضعف  
شده بودند جناب جلالت آقا صدر اعظم سینه معانی آنها  
آقا سید باذن عرض و آنها را معاف فرمودند  
بنظنه تعمیر اجناس طهران

کندم سا و جیلانی دو تومان و سه سیرا پانصد  
بکخردار شانزده هزار دوده می  
برنج عنبرو چهارین ده هزار و چهار عجا  
برنج دو تنه چهارین دو هزار و نه صد و بیست  
برنج اکوله چهارین سه هزار و پانزده  
برنج کرده چهارین ده هزار و نه صد و بیست

۱۰۰	اردوکن	م یکخوار	دو تومان و هزار و پانصد	پید کد اخته	چهارمین	مفت هزار و ده	۱۰۰
۱۰۰	اردجو	یکخوار	دو تومان	کشک	چهارمین	دو هزار و یک	۱۰۰
۱۰۰	مان	یکخوار	دو تومان و هزار و پانصد	حرام	چهارمین	سه هزار	۱۰۰
۱۰۰	گوشت	یکین	شش عباسی	کشمش طعام	چهارمین	شش عباسی	۱۰۰
۱۰۰	لوبیا	یکخوار	دو تومان و هزار و پانصد	سید	یکخوار	سه هزار	۱۰۰
۱۰۰	گرچک	یکخوار	پنج تومان و نیم	ذغال	یکخوار	پانزده هزار	۱۰۰
۱۰۰	ماش	یکخوار	دو تومان و پنجاه	مرغ	یک قطعه	ده شاهی	۱۰۰
۱۰۰	عدس	یکخوار	دو تومان و هفت هزار و پانصد	تخم مرغ	دوازده پنجه	یک عباسی	۱۰۰
۱۰۰	ارزن	یکخوار	چهار ده هزار	قداری	یکین	شش هزار و ده	۱۰۰
۱۰۰	نمک	یکخوار	پنجاه	قد بزدی	یکین	چهار هزار و یک	۱۰۰
۱۰۰	خله	یکخوار	پانزده هزار و ده	ان	یکین	دو تومان	۱۰۰
۱۰۰	پونجه	یکخوار	سه هزار و پانصد	سجک	یکین	شش هزار	۱۰۰
۱۰۰	شع	یکین	دو هزار و دو عباسی	نبات	یکین	سه هزار و یک	۱۰۰
۱۰۰	رب و غنچراغ	یکین	یک هزار و سه عباسی	سکر خام	یکین	دو هزار و هفتصد و بیست	۱۰۰
۱۰۰	تباکوی اعلی	یکین	چهار هزار	وارچینی	یکین	چهار ده هزار	۱۰۰
۱۰۰	تباکوی وسط	یکین	سه هزار	فلفل	یکین	دو هزار و پانزده	۱۰۰
۱۰۰	فصیل	یکخوار	سه هزار و پانصد	زیره	یکین	دو هزار	۱۰۰
۱۰۰	سجود قره زینی	یکخوار	چهار تومان و پنجاه	زعفران	یک چهار یک	دو تومان	۱۰۰
۱۰۰	سجود رسی	یکخوار	سه تومان و پنجاه	آب لیمو	یکین	دو هزار و ده	۱۰۰
۱۰۰	بایست	یکین	یک عباسی	لبوی عانی	یکین	دو هزار و پانزده	۱۰۰
۱۰۰	بیر شور	یکین	پانزده شاهی	زر شک بید	یکین	دو هزار	۱۰۰
۱۰۰	سرکه	یکین	مفت شاهی	زر شک تبریزی	یکین	چهار هزار	۱۰۰
۱۰۰	آب غوره	یکین	ده شاهی	سکنجین	یکین	دو هزار و پانزده	۱۰۰
۱۰۰	زوغن	چهارین	یک تومان و ده	حلوبات	یکین	چهار هزار	۱۰۰
۱۰۰	شیره شد	چهارین	دو هزار و چهار عباسی	سایر ولایات			

استرآباد

از فرآریکه درخت گذشته در روزنامه استرآباد نوشته  
بودند در ماه جمادی الثانی پنجاه نفر سوار ترکان بر  
سفر سلطان آبا آمده بودند که دستبرد می کرده  
باشند اهل قلعه و تفنگچی و ستمخیزان خبردار گشته و آنها را  
بضرب تیر گلوله از دو قلعه مزبور دور کرده و سواران  
داده اند و در شب آن روز نیز با جمعی پیاده ترکان  
به ناوان گشته و از راه دریا بجزیم دستبرد بر سر قلعه  
مزبور آورده اند ستمخیزان مطیع گردیده و بضرب  
گلوله آنها را از آنجا گشت و فرار داده اند بطوریکه شش فرسود  
از نادمای ترکان بجای مانده و خودشان فرار کرده اند  
و ستمخیزان آنجا فرستاده نادمای آنها را تصرف نموده اند

هم در ماه جمادی الثانی نوشته بودند که سوار  
ترکان در سر بند کرکان رفته یک نفر از تفنگچیان قلعه  
و ذلت آباد را با سه رس اسب برده بودند <sup>لیجاء</sup>  
رحیم خان مجتهد استماع سوار شده و از منتخب آنها  
رفته و یک نفر از ترکان را راز خوار نموده و اسیر  
و اسبها را از آنها پس گرفته و بر حجت کرده است

اصفهان

از فرآریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند در اول  
بنیاد ارزانی و فردانی و فوریت و امنیت است و  
هوای آنجا در بین اوقات کمال اعتدال را دارد و بارانها  
پی در پی بسیار نافع باریده و آب زاینده رود در روز بروز  
در زیاد است و تمامی امالی آن ولایت در نهایت فراغت  
و رفاه و امنیت مشغول عیشتی و عاکوفی میباشند

از فرآریکه نوشته بودند عالیجاه میرزا عبد الوهاب خان  
سرونگ فوج جدید اصفهان در خارج شهر کینار  
زاینده رود چادر زده است و در تدارک آمدن <sup>مخلاف</sup>  
طهران است و بجهت بر یک از سربازان صاحب منصب  
یک دست رخت جنب تمام کرده و پوشانده است  
و بجهت طلب مال و بالا با بچی مواری ثقت و یک فرسود  
کلاه بطرح انگلیسی و شفت و یک فرسود کلاه بطرح روسی  
تمام کرده و هفت کلاهها را آقا محمد حسین ضابط از خود  
داده و پیشکش کرده است و سربازهای مزبور بسیار  
خوش وضع شده اند

عالیجاه علی تقی خان سرتب و دستم سلطان کوچی  
و سربازان قدیم و جدید و توپچیان ساخوری اصفهان  
همه روزه در میدان شاه از فرآریکه نوشته اند  
مشغول میکنند و صاحب منصبان فوج نیز هر روزه  
مشغول مشق میباشند و کمال نظم را دارند و امری که دلیل  
بر بی نظمی باشند از آنها ناشی و صادر نمی شود و امالی آنجا  
از حسن سلوک و قیام آنها کمال رضامند دارند

نوشته بودند که جاریه از مال حاجی محمد حسین که خدای سرباز  
که از خود مشارالیه آبتن بوده درین اوقات وضع مجلس  
شده دو دختر و یک پسر بیک شکم زاینده و پس از  
چهار روز هر سه طفل فوت شده اند

حجرتام پسر عزیز الله که از جمله اشرا و دزدان بوده و سابقا  
نیز دو دفعه دزدی کرده و بدست آمده و سبابت شده  
و در بین اوقات باز دزدی کرده بوده است بچک عالیجاه  
نایب حکومت افتاده و بسزا عمل خود در زندان است

۲

اتجار دول خارج

انگلیس روزنامه های تازه که از این ولایت رسیده است  
تجدید اخبار روز جمعه یازدهم جمادی الاخر است خبری  
که قابل توجه کردن و نوشتن در روزنامه گزیت باشد  
مگر اینکه قشون همیشه را که بزبان فرانسه گزیت  
مینامند بجهت ساختن ولایات انگلیس قرار بود بگیری  
هزار نفر باید گرفته شود و پنجاه هزار نفر سال بنا دار  
دسی هزار نفر در سال آینده و اخراجاتی که وزیر محاسبات  
بجهت این قشون قرار گرفته است چهارصد هزار پوند است  
که نزدیک بدو کرد پول ایران می شود

فرانسه

در روزنامه پاریس مای تحت فرانسه بنا بر تاریخ دوازدهم  
ماه جمادی الاخر نوشته بودند که مشورتخانه خوانین و کلیه  
رعایا در آنجا جمع شده و در مشورت نوشته بودند خود  
لوی ناپلیان رئیس دولت جمهوری فرانسه با وزیر امور خارجه  
اتحاد بود

میگویند که اخراجاتی که بجهت لوی ناپلیان متبرار میشوند که  
اسباب و شوکت سلطنت که شان دولت فرانسه باشد  
بر پانزده سالی دو کرد و دولت بزرگ تو مان پول ایران  
خواهد بود و بسیاری از عمارات سلطانی قدیم پادشاهان  
فرانسه از جمله طویلبری دست گلود و مودان و ویشلیس  
در دست او میباشد و تعمیر کردن و نگاه داشتن این عمارات  
مخارجش از دیوان سوای این مبلغ که معین شده و او میشود  
سایر ممالک فرانکستان

از اکثر ولایات فرانکستان درین روزنامه بیاید

روزنامه گزیت رسیده است و لکن در آنها چیزی که قابل  
توجه کردن و نوشتن در روزنامه باشد نبود مگر اینکه  
بنا دارند که چند نفر و کلا از جانب پادشاهان فرانکستان  
در لندن پامی تخت انگلیس حبع بشوند که قرار بجهت سلطنت  
مملکت وینارک بگذارند کسی از شاهزادگان فرانکستان  
آن مملکت نمانند

احوال متفرقه

در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسه چاپ میشود  
که سلیمان احمدی این مترجم شده است و لکن هنوز وعده  
رفتن او معین نشده است و این مترجم بول مخصوصی است  
که سلاطین دولت علیه عثمانیه هر سال بجهت عظیمه میبرند

در آن روزنامه نوشته اند که چونکه تجارت و تردد  
سیاح و غیره از طرابلس با اسلامبول روز بروز زیاد  
میشود بنا دارند که در هر هفته دو کشتی بخارج میان این دو شهر  
روان بکنند

در بخاز پانین اسلامبول که دارندگی میامند زلزله شده  
بنا بر تاریخ سیزدهم جمادی الاخر چهل دقیقه بعد از ظهر زمین  
چنان سخت لرزید که کل اهل قصبه آنجا قشورش و ترس زیاد  
کردند و این زلزله یک دقیقه طول کشید چونکه اکثر خانه های آنجا  
از چوب است چندان ضرری ازین زلزله نرسیده است  
دیوار افتد ری ترکیه و اسپانیا ب خانه های زمین  
ریخت و در قصبه های آن اطراف نیز این زلزله  
شده بود مخصوصه در کلی پولی دان کستهای  
نزدیک با آنجا

مختصی در ولایت شیراز چیزی اختراع کرده است که قوت را سفید میکند  
مانند نوب بلکه ببری ابریشم قدری ازین قوت بجا رت بلور  
لندن آورده بود و بعد از آن کارخانه در مملکت انگلیس بجهت سفید کردن  
این قوت بر راه انداختند اما طوری که سفید و نرم میکنند مختصی  
و بر وزن سفید ماند که مبادا دیگران یاد بگیرند و منفعت از دست  
آنها برود و درین روزها باین شهر کلهای بن کارخانه نزع افتاد  
و بعد از آن کارخانه آمدند اما در آنجا نیز طرح سفید کردن این قوت را  
بروز ندادند  
در روزهای چند وقتیش ازین تفصیل آتش گرفتن بار  
نزدیک شهر سیتاکوتم را نوشته بودند بعد از تحقیق زیاد  
که خواستند معلوم کنند که آتش از کجا و بچه سبب آنجا  
افتاد است اینقدر معلوم شد که صاحب منصب قورخانه  
و نایب او عقلت و اجهال تمام کرده بودند و از دیوان  
حکم شده است که جریمه آنها این باشد که هر چه دارند  
دیوان بشود  
اهل کار خای شهر برینک هتم در ولایت انگلیس ضرر  
زیاد می کنند بجهت جنگ و نزاع که باین آنها و کارگران  
خودشان شد است چند وقت پیش ازین دولت  
انگلیس بیست و سه هزار تفنگ شش خوان خواسته  
بودند که بآن طرح تازه که حال در بعضی متون فرنگستان  
مداول شده است و کول آن دوردست برود و در  
در روزنامه سابق نوشته شده بسیارند عجایب و کارهای  
این کارخانه را زیاد میخواهند و اربابان و آقایان  
آنها نمیدانند ازین جهت تفنگهای مزبور را نمیتوانند در  
کارخانهها بسازند و اسنای دولت لابد شده که از جای

دیگر خریداری نمائید بلکه اگر بجهت نزع این صنعت کاران  
توانند در ولایت انگلیس بخرند لابد میشود که از دول خارج  
خریداری نمایند  
چند سال پیش ازین شخصی در مملکت فرانسه طرح گرفتن شکل  
اختراع کرده بود که عکس کپس و هر جا را که میخواهد بگیرد و در  
صاف نقره میکرد که بعینها شکل شخص یا چیزی را که  
بخواهد در آن نقش می بندد و این کار متداول شد و چندین  
استادان این کار بملکت ایران آمدند و حال درین دولت  
علیه مستد درین اوقات کسی در ولایت انگلیس این عکس را  
بطوری میکرد که بر جسته کی آنم معلوم میشود مانند اینکه  
در روی سنگ ثبت کرده باشند و در گرفتن بعضی  
شکلها خوب کار آمده است خصوصه در شکل میان عمارت  
باور که پارسال در لندن بجهت گذاشتن نمونه اجناس  
و نقایس کل روی زمین ساخته بودند و ازین قسم شکلها بجهت  
پادشاه دولت بیه انگلیس و امپراطور دولت بیه روس  
و سلطان دولت علیه عثمانیه ساخته اند و بسیار خوب  
و شبیه میروند آمده است نقاشی خوب در کشیدن شکل  
طوری می کنند که آنچه باید بر جسته باشد بظاهر جسته بیاید  
عجب بزرگ این شکلها که از عکس بروی تخته نقره میکشند  
این بود که صاف بود و بر جسته کی معلوم نمی شد و درین شکلها  
چونکه بر جسته کی معلوم است بسیار متماز و شبیه میروند  
در روزنامه گذشته نوشته بودند که بنا داشته اند که  
از پول نقره که هر یکی پنج فرانک که تخمیناً پنجاه و بیارپول  
ایران باشد در مملکت فرانسه بفرزند و صورت لوی بجا



ریس دولت فرانسه در یک روی آن نقش باشد  
قدری از آن زده بودند و چونکه صورت آن بلوی ناپلیان  
شبهه نمود موقوف کرده بودند درین روزنامه نوشته  
که بقدر ده هزار تومان پول ایران ازین پول در پاریس  
پای تحت مملکت فرانسه سکه زده بودند

در مملکت فرانسه مردمان متقلب درین روزنامه بسیار پول  
طلب زده اند و این پول طلب از چند قسم است یکی آن  
که هر یکی پنج فرانک قیمت دارد و مانند پول نقره است  
از اینمیزون ساخته اند و تشخیص آن شکل نیست چونکه بسیار  
سبکتر از نقره است پولی که مانند طلا ساخته اند که هر کدام  
بیت فرانک و چهل فرانک که دو تومان و چهار تومان پول ایران  
باشند قیمت دارد اینمیزون ساخته اند و بجهت الماسی طلا  
و مطلقا کرده اند و این دو قسم پول نقره نام مستند بجای نقره  
و طلا در میان جنسین رواج شده بود اما امنای دولت  
جنبردار شده بعضی از مقصودین را که این پولهای قلابی را  
زده بودند گرفتند و باز در تختی میشد که بلکه سکه  
دستگیر کرده بسزای خود برسانند

در یکی از روزنامهها که در پاریس پای تحت فرانسه چاپ  
میزند نوشته اند که در یکی از جزایر یونان که کاسوس  
که از شر غریبی اتفاق افتاده است شخصی که از اعیان آن  
جزیره بود سه راه چند نفر دیگر بشهر اسکندریه مصر رفیق  
و در اینجا این اشخاصی که هم سفر او بودند او را کشته بودند  
بعد از آنکه خبر کشته شدنش سجزیره کاسوس رسیده بود  
زنش و دخترش و خواهر زنش و مادر زنش مثل زن  
رده و با فریاد رفتند که خانمهای قاطعین این شخص را کشتند

و یک کلیت با هم آتش زدند چونکه جنسین پسند بودند که اول  
قاتلهای مذکور در اینجا جمع است بعضی از خانهها در اینجا  
شد مردمان اینجا برخواستند و سلاح حرب بر خود  
دادند بعضی با داد زنها و بعضی مخالف آنها که گذارند افغان  
بشود جنگ کردند چند نفر از طرفین کشته شده و بسیار  
زخمی کردند و دیدند

در روزنامه یونان که کوریر و اینمیزون می نامند نوشته اند که  
در این روزنامه حکم از وزیر جنگ نقیون شده بود که در وقت  
معینی هر وقت که شیپور حاضر باشی زده چهار هزار  
توپ و چهار فوج نظام و سوار و شکیبایان و غیره باید در  
دو عمارت پادشاه حاضر باشند و چهار هزار توپ  
دیگر نیز حاضر نمایند که اگر لازم باشد حرکت بدنند  
هیچکس نمیدانست که بچه سبب این حکم شده است

در همین روزنامه نوشته اند که در شبی نظام در خانهها  
فراریهائی که از مملکت یونان فرار کرده بودند گرفتند که کسی بیرون  
بیاید و نه درون برود و صبح که شد نوکران دولت یونان  
داخل خانههای این اشخاص شده و هر چه در خانههای آنها  
بود ضبط کردند و کاغذهای آنها را واری کرده و چهار نفر  
ازین مشرکهای لاخراج از خاک یونان شدند کسی  
این سخت گیری را نمیداند مگر اینکه امنای دولت یونان  
بکان کرده بودند که فراریهای مذکور میخواهند در اینجا  
استاد بکنند

امنای دولت سارونی قدری قشون سجزیره اجاخ  
بجهت اینکه میان اهل آنجا نزاع و جنگ شده بود  
و که یا این بسازند فوراً دست رفع شده باشد

در شهر قندهار قیامت یکی دینای شمالی نوشته اند که پولی از طلا  
 تازه در آنجا زده اند اول پولی از طلا سکه زده بودند که مبلغ آن  
 چیزی اوینا چیزی کمتر حساب پول ایران می شد چون کوچک  
 در نزد بود و شماره درست درنی آمد خلق بدولت عرض کردند  
 و همین پول را بترک دیگر ساختند که ارزشش همان درست  
 و همیشه همان و لکن ترکیب حلقه ساخته اند که بجا است بر سکه  
 درشته نیز نیست و اندک بشند صاف است مانند پول  
 بزرگ که دایره میانش را در آورده باشند و بنا دارند که  
 پولی که دو هزار دینار چیزی بالاتر قیمت داشته باشد  
 ترکیب بزند

در کتار ملک انگلیس در قصبه ای پیدا دارند که لنگر کا  
 بجه کشتیها سازند و چون که باید در میان آب با که گودی است  
 سنگ بریزند که کشتیها که در آنجا لنگری اند از آن صد تان  
 امواج محفوظ باشند از کوی که در آن است است سنگ  
 در می آورند و بدینا میریزند و طور سنگ در آوردن این  
 که بار و طریقه هر دو چیزها هزار پوند که تخمینا مقدار خود  
 چیزی بالاتر وزن شش عباسی ایران باشد در زیر جانی که  
 کنده از یکدوازده و پنج الماسی آتش میزنند و از آنجا بر آید  
 این که بجه زرد کالک بجا ساخته شده این سنگها را  
 در بایمی آورند و وزن بعضی از سنگها که با بیطور کرده اند چیزی  
 بوزن ایران می شود و از این معلوم می شود که سابقین این سنگها  
 بسیار معلوم است که تیت و چار که در هر خرد است سنگ  
 لازم است که این سنگها ساخته شود و از این سنگ  
 که در هر خرد آورده و با بجا رنجته اند و عرض این سکه که در میان  
 در بایمی ساخته اند و در میان تخمینا صد و دویست می باشد

۳۹۰

ظوشش که میان در بایمی رود نزدیک یک سبدان است  
 و عمق آب در آنجا در هنگام جزایر آب دریا که پائین می نشیند  
 ذریع است که در ده اند نزدیک سب که در پول ایران در  
 ساعت این سکه و لنگر کا بجه کشتی خرج خواهد شد  
 چونکه از کشتی که در آنجا زده می کنند برسم راه واری می  
 معین خواهند گرفت بجه آنها که نخواه درین کار گذاشته اند

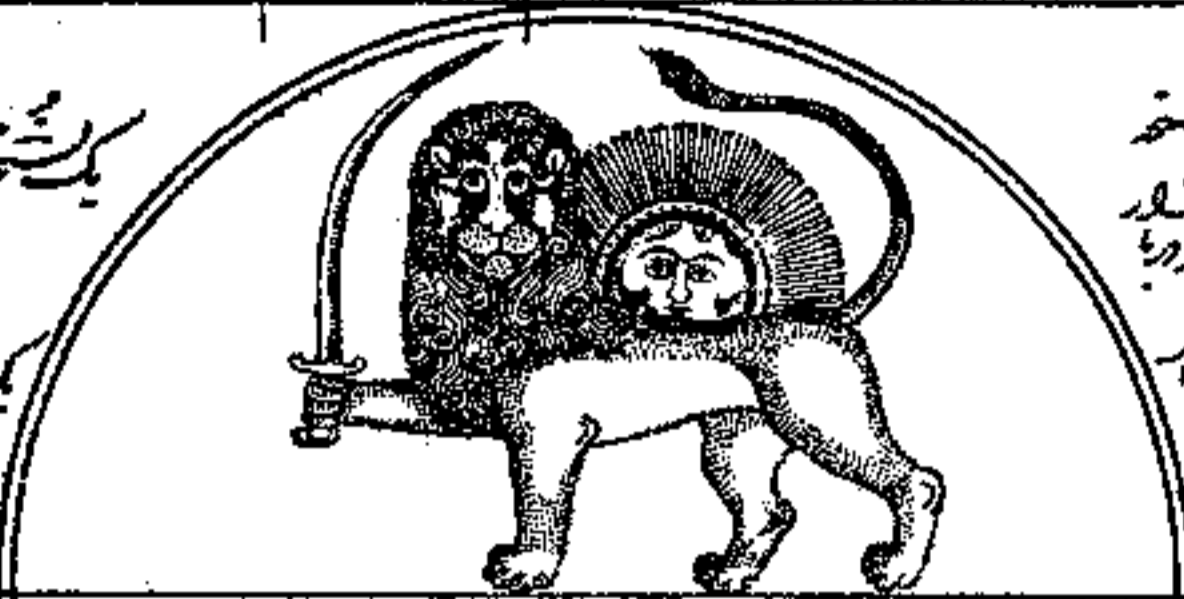
اعلانات

در نزد موسیور چندی اری تاجر فرنگی و کاروان جدید  
 فروخته میشود این کتاب از ترجمه موسیور قابل است و احاطه کلیات  
 روی زمین و عرض و طول و محیط و غیره هر دو همیشه نوشته است  
 و هر یک جلد چهار هزار دینار و فروخته میشود کس طالب است  
 در نزد موسیور چندی اری تاجر

تاجر مریور چون که میخواهد برود هر چه اموال تجاری که باقی مانده است  
 بهراج میگذارد و میفروشد و چون که در رفتن تعجیل دارد و معلوم است  
 که هر چیزی بقیمت ارزان فروخته خواهد شد و از بخواه اموال که  
 فروخته میشود ساعت بزرگ مجلسی بازنگاری رنگ و  
 اسباب چینی و چراغ دان فرنگی که تقصیل آن در روزهای  
 نوشته شده است و بجا می آید فرنگی آهن کار مسکی دینا که  
 کم گرم میشود و اطاق بزرگ را گرم میکند و پیر این شمشیر و بار و  
 و سایر همه وان و جوهر عطریات فرنگی نشان و دوش نظام و  
 نظام و کاغذ نقاشی الوان بجه چندان و دیوار اطاق بسیار  
 اسباب دیگر که نوشتن تقصیل آنها درین روزنامه  
 کجایش ندارد و در روز و شب و سه شنبه نوشته اند  
 این اسباب در حراج خواهد بود

# روزنامه وقایع اتفاقیه تبایخ پویش شبه مقوم با شعبان المعظم مطابق سیال سچمان میل ۱۳۶۸

قیمت روزنامه  
یک ششماهه  
قیمت اعلانات  
یک سطر  
بیشتر



نزدیکت  
برگردد  
ازین روز تاها باشد  
چیدر و کان  
بلور و شرف

## اخبار و احداثیه ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در روز دوشنبه هفت گشته سوکهایون  
شاهشاهی بجهت تفریح و تماشای امیرآباد و آن  
اطراف شریف و نما کردیدند و در روز چهارشنبه  
هفت گشته نظر بفرمودم احسن ملوکانه که در باره  
جناب جلالتاب صدر اعظم دارند در باغ  
دیوانی مقابل دروازه دولت که در جنب باغ لاله زار  
و منزل جناب معظّم ایوب و بصریت عصرانه و چای  
شریف بردند و مراسم قربانی و پای اندازد  
صرف شربنی و شیر و معمول کردید و در روز شنبه  
بترجیح تفریح و تماشای شیرانات تا آبشار  
کوه بالای دریند پس قلعه که جای بسیار خنک  
و با صفاست شریف برده صرف نماز در آنجا  
نمودند و بعد از تفریح و تماشای آنجا باغ لاله زار  
راجعت فرمودند و روز دوشنبه نیز از دروازه شیراز  
بجارت سلطانی ارک شریف آوردند و سواره  
نظام در میدان ارک با لباس و کلاههای مخصوصی

صف کشیده بنظر اعلی حضرت شاهشاهی رسیدند  
و سخن با کمال زینت و شکوه و آراستگی و انتظام  
بنظری آمدند و پسند خاطرهایون شاهشاهی کردیدند  
این اوقات ادلیای دولت قاهره حسب الامر  
پادشاهی عالیجاه ابراهیم خان سپهر عبدالرزاق  
یزدی را بحکومت کاشان سرفراز کرده فرمان  
حکومت و خلعت عرطلعت بافتخار مشارالیه صادر  
و مرحمت کردید  
این روزها امنای دولت علی حسب الامر  
هایون عالیجاه مقرب انخاقان حسن و خان کرمانی را  
بر وفق صلاح و صواب بدین توأب شاهزاده حشمت الدوله  
صاحب اختیار مملکت آذربایجان و مقرب انخاقان  
وزیر نظام بحکومت قزاقه داغ سرفراز کرده فرمان  
مبارک و خلعت افتاب طلعت بجهت مشارالیه  
در بارهایون صادر و مرحمت کردید  
این اوقات بحساب قده الاسلام میرزا باقر امام

۳۹۱

آذربایجان سلمه الله تعالی از دربار شوکت ارجایون آدن  
درخصی حاصل نموده روز شنبه و دویم از شهر طران با کلبه  
رفتند که از آنجا روانه آذربایجان شوند

در روز شنبه هفتاد و شش جناب جلالت آتاپی مخصوص  
دو وزیر مختار دولت به انگلیس صاحب منصبان و متعلقان  
سفارتخانه بقریه تولک شمیران که بر سال در فصل تابستان  
در آنجا منزل می نمایند

و هم چنین در روز دوشنبه جناب جلالت آتاپ وزیر مختار  
دولت بقریه روس صاحب منصبان و متعلقان سفارتخانه  
بقریه زرکند شمیران که بر سال در فصل تابستان منزل  
می نمایند رفتند

در روز دوشنبه این هفته چون عید تولد علیاحضرت  
پادشاه انگلیس بود عالیجا به سیقلی خان نایب الشیخاگان  
از جانب اعلیحضرت پادشاهی بقریه تولک نزد جناب  
جلالت آتاپی مخصوص دو وزیر مختار دولت به انگلیس  
تقدیم عید مبارکی نموده و جناب جلالت آتاپ صد اعظم  
شیرینی بچه ایشان صحوب عالیجا ابراهیم خان در آنجا

چون عالیجا به میرزا عباس منشی وزارت دول خارجه در  
مأموریت سفر بطریق بویغ بطور شایستگی و عقل حرکت کرده  
در انجام خدمات محوله در آتاپ صدقت و قابلیت خود را  
ظاهر ساخت لهذا اعلیحضرت پادشاهی اورا بقصد شایستگی  
مأمور وزارت دول خارجه بقصد و بر مباحث سابق او افزوده  
فرمان بایون بافتخار شایسته صدری

عالیجا به میرزا عبدالرحیم پسر مرحوم میرزا محمد میرزایی که از آنجا

ایده مدت علیه در کاتب سما یون مشغول خدمت گذاری بود  
حسب الامر اتمس سما یون منصب اجدانی وزارت امور  
خارجه سرافراز گردید و مقرر فرمودند که جمعی از کاتبان و

ریش سفیدان ترکمانان کولکان و موت را که بواسطه سخت  
خدمت و سلوک طریقه انقیاد و اطاعت به دربار ارجایون  
بودند و از جانب دولت ایده مدت علیه مختم شدند میکن  
خودشان برده و بجهت سایر ریش سفیدان و کاتبان  
ترکمانان نیز بر برگه در اماکن خود میباشند از جانب اعلیحضرت  
پادشاهی خلعت مرطوب از دربار ارجایون سپرد

امورات قشونی

در روز یکشنبه هفتاد و شش که اعلیحضرت پادشاهی  
بویجانی را که احضار بر کاتب سما یون شده بود  
ملاحظه فرمودند سواره نظام مسم با کمال نظم و ادب  
با معسلت در میدان مشق حاضر گردیدند و معلم مزبور  
بقرار خود سواره نظام را در حضور سما یون مشق داد  
و مشق آنها در نظر اتمس اعلیحضرت پادشاهی بسیار

پسندیده و سخن افتاد

فوج بیادران که از آذربایجان حاضر کاتب نصرت  
شده اند حسب الامر سما یون اعلیحضرت پادشاهی  
در میدان دم در وانه دولت که محل مشق قشون طران  
روزنامه مشق می نمایند و اتمس فوج مزبور بسیار پیشرفت  
و جوانان نمایان میباشند

فوج جدید سیر و زکوی ابوالجیمی بقرب امخاقان مصطفی طلیحان  
بیرنج و منگی عالیجا علیه رضا خان سرنگب در  
جمعیه هفتاد و شش وار و در اخلاف طران شده مشغول  
است

دقایق سی ۶۹ ( ۷ سپتامبر ۱۲۹۸ )

سواران قدس جا بون شهریاری مقرر نموندند که  
کل صاحب منصبان قشون از یاور و سلطان نایب  
و دیگران و اجودان اعتم از آنها که حاضر رکاب  
مبارک میباشند یا آنها که متوقفین و لایات هستند  
کل کلیچه نظامی و شوارتنک پوشند که در وقت  
شق اختیاری داشته باشند و شوار و کلیچه  
آنها پاکیزه باشد

در روز چهارشنبه هفته گذشته مفت عاده توپ  
دو وعاده فیش را معلم نموده که مشغول شن پوچی  
بود در خارج دروازه دولت بالای لاله زار هر توپ  
چهار تیر حکم داد شینیک نمودند سجد و انست فاعده  
آنها

در روز چهارشنبه هفته گذشته مقرب امخاقان اجودان  
بیان فرج جدیدند وی رفته چند نفری از آنها را که  
پیر شده و از قوه خدمت افتاده بودند و از اینکه  
این اشخاص هنوز داخل مقر قشونی نشده بودند و بمصرف  
بودند اعراج نمود

### سایر ولایات

عربستان از قتراریکه در روزنامه عربستان  
نوشته بودند در سراسر از نامورین و ولایتین  
بهترین که مسراه مقرب امخاقان میرزا جعفر خان شیرازی  
سجده تعیین سرحد نامورند اعراب بی لام در دیده بودند  
وزارت شاهزاده و احتشام الدوله خاظمیر صاحب خنیشمار  
عربستان و لرستان و بختیاری و غیره و ستاده  
اسبهار از مشایخ آنها خواسته بودند و آنها نیز اسبها را

بزرگ توپ بهترینی ایبه فرستاده اند و بدست  
لافتیش انگلیس کرده و بخر کرده اند

### فارس

از قتراریکه در روزنامه شیراز نوشته بودند در  
روز عید مسکنام تحویل حمل ابری بالا آمده و صدای  
مویب پی در پی نموده و بعد از آن بنامی بارندگی گذاشته  
و تکرک ای درشت بقدر نارنج باریده است که یکی از آنها  
سبر یکی از طالبه ابوالوردی خورده چشمش از  
حد قیبرون افتاده و معزشش از هم پاشیده است  
و یکی هم بدیوار خورده و شکسته است و پارچه آن  
بانگشت شخصی خورده و شکسته است و کوفت زیا و از بزرگ  
و سیش این تکرک تلف شده است و از فرار یکی که  
و العبد علی الزاوی در میان این تکرک که بچا دریا  
ایلات آنجا باریده است و از دریافت اند و در چادرها  
ایلات و احشام آنجا که باریده است مانند کلوله  
همه را سوراخ و پاره پاره نموده است و مردم ایلات  
که دیک و سایر صروف قشون سخته محافظت خود بر  
گذاشته بوده اند صروف مس را سوراخ کرده و دست  
و پهلوی بعضی را شکسته است و در بعضی جاها بقدریک  
و جیب بزین ضرورفته است و یکفته اند که آدم این  
و آن تکرکی را در ترازو کشیده است یکم و نیم وزن داشته  
و لکن خود این شخص که این گذارش را نوشته است نوشته بود  
که دانه تکرک بزرگتر از نارنج بدیدم با بچه بد زخمهای بخر  
و تاک انکور و غیره از قتراریکه نوشته بود ضرر زیاد رسانده  
و کاود الایع و اسب بزرگ شده است

۳۹۳



### کرمان

از قشربار یک در روزنامه کرمان نوشته شده بود  
 از استقامت اولیای دولت قاهره و حسن قیادت  
 نواب مؤید الدوله طلماسب میرزا حکمران کرمان  
 امور آن صفات در کمال نظم و انضباط و ضابط  
 شورش و عداوت بر وجه شایسته است و نواب  
 مغزی المیه همواره اوقات خود را در آسایش عیال  
 و آبادی و ولایت مصروف دارند از آنجمله در  
 قنات در نیم و زما شیر احداث کرده اند درین  
 روز نواب آنها نزدیک بیرون آمدن است و همین  
 چون در نیم و زما شیر دخت مرکبات بوده و  
 آنجا تربیت مرکبات میتوانست بکنند بنابراین  
 هزار اصله دخت نارنج و نارنگی و بکراچی حکم کرده  
 از بلوک خلیص آورده و در آنجا غرس کرده اند  
 چون آب و زمین جیرفت بسیار بود در آن بلوک  
 اصله باغستان بود این اوقات باغ بسیار  
 در آنجا بنا کرده و آنرا بنام صرا باد موسوم کرده اند  
 که در مسواری دخت در باغ مزبور غرس کنند  
 در نیم حسین در روزنامه کرمان نوشته بودند  
 که حبسی از ایلات همیشه ورود باری که در سایه  
 گذشته متفرق شده بودند این اوقات چند نفر  
 از کدخدایان بانهما خدمت نواب مویده الدوله  
 آمد بخدمت حبس آوردی تقریباً ایلات مزبوره را  
 کرده اند و نواب مغزی المیه هم آنها را مورد توجه

۳۹۶

و انعام کرده رقتی با آنها نوشته داده اند که  
 از رجوع بسکن با کوفت خود تا چهار سال چیزی  
 از آنها مطالبه نشود تا در کمال آسودگی و آسایش  
 مشغول عیال باشند  
 اصفهان

از قشربار یک در روزنامه اصفهان نوشته شده  
 بود اسال آب زائنده زود بسیار شده است  
 سجد یک اهل آنجا احتیاط دارند که مساباد از  
 طغیان آب حنرابی پهنای رودخانه مزبور  
 برسد و از تفضلات خداوندی بسبب کثرت  
 آب زائنده زود احتیاج رعایا و زارعین  
 تحصیل آب کمتر از هر سال شده است و زرع  
 از نیز حمله نهایت شغف و شادمانی و امیدوار  
 بنوب بسیار آمدن حاصل دارند

همچنین در روزنامه اصفهان نوشته شده بود  
 سه فوج سرانزده اصفهان که احضار بر بد با  
 مسایون شده بودند همگی حبس و آمانده شده  
 و تدارک خود را دیده در غره شهر شعبان المعظم  
 روانه دارالخلافه طهران خواهند شد و بسیار  
 کرده و کرازی هم هر روز در رسیدن انارک  
 اصفهان مشغول مشغول شده و در کمال انتظام  
 میباشند و از هیچیک از سر باران مزبور خلاص  
 قاعده و امری که دلیل بر بی نظمی باشد هیچ  
 ناشی و صادر نمی شود



اخبار دول خارج

انگلیس در یکی از روزنامه های انگلیس که مارنیک می باشد  
 باینطور نوشته اند که درین ولایت در مشورتخانه گفتگویی  
 شده است که در خصوص امورات هندوستان قرار  
 تازه بگذارند تا بحال امورات مملکت رانی اولایت در  
 چند نفر از اهل انگلیس بود که در لندن بودند که آنها را کپانی می  
 نامند اینها در زیر حکم کی از وزرا بودند که شغل او رسیدگی در امورات  
 هندوستان بود سابقا تجارت انگلیسها در هندوستان  
 در دست این اشخاص بود و غیر از اینها کسی دیگر از اهل این  
 اذن تجارت در هندوستان نداشت نزدیک  
 سال قبل ازین تزار دادند که تجارت هندوستان از  
 هر کس که بخواهد میسر باشد یعنی هر کس از اهل انگلیس که  
 بخواهد بحد هندوستان تجارت و تره و بکند ما اذن باشد  
 اما که تزار اذن امورات آن مملکت باز در دست کپانی  
 بود و پادشاه انگلیس فرمان داد که تا بیست سال دیگر  
 قرار باشد و چون که عده آن قرار نزدیک است که منقضی  
 گوید آری در امورات مملکت رانی اینجا هم خواهند گذاشت  
 مملکت هندوستان آنگاه ریش که در دست انگلیس است  
 بسیار جای بزرگ است و دست که در جمیع اشخاص  
 توفی که در اینجا دارند نزدیک چهار صد نفر میشوند  
 تجارت عده وارد و مردم از طوایف مشرقه در اینجا  
 و در راه برون چسب ولایت کوشش و سعی تمام لازم است  
 حسب احکام و زرای انگلیس چند نفر از انبای آن مملکت در  
 اجلاس خواهند کرد که در خصوص امورات هندوستان  
 و مشورت بکنند

مشورتخانه خوانین دوک لای رعایا در لندن بجمعه عیدی که  
 در فصل بهار به سال مرمول اولایت اسب چسب قازنی  
 که دارند و هفت مرخص شده اند و چنانچه در روزنامه  
 نوشته شده است در آخرین بهار با در وسط تابستان  
 پادشاه انگلیس بنا دارد که کل دکلای رعایا را مرخص نماید  
 که خلق از هر شهر و بلوک که قرار است وکیل تعیین نمایند  
 اشخاص را که وکیل بودند با اشخاصی دیگر که خود رعایا  
 اختیار نمایند برای تخت بفرستند که در مشورت  
 اجلاس نموده مشول گذرانند امور دولتی باشند

روس

از قرار یک در روزنامه بر وستلر پای تخت مملکت بلژ  
 نوشته اند طبیبان اعلی حضرت امپراطور روس مناسب  
 از احسن اصحاب ختین دیده اند که بچشای آب گرم  
 که در مملکت من است برود چون این ولایت نزدیک  
 زمان است بیش از یک راه با سجا خواهند آمد و از  
 مملکت که میگذرند بشهر وینتر پای تخت استریه و برین  
 پای تخت پر دست شریف خواهند برد بلکه بشهر مونیخ  
 پای تخت لواریه هم شاید بروند

استریه

در روزنامه های که درین هفته رسید است نوشته اند  
 پریش شوارت زن بوزخ و بر اعظم آن مملکت درین  
 روزها بنا خوشی فجا و فوات نموده است پیش از شام خوردن  
 بقاعده فرنگها با طاق خلوت خود رفته بود که رخت خود را  
 عوض نماید و در اینجا افتاده و فوت شده بود این شخص  
 از سلسله قدیم خوانین است بود که بیشتر از چهار صد سال

۳۹۵

که سلاطین و سلاطین از مردمان معتبر و اعیان آن ولایت بوده اند  
 و در اوقات انقضا شش که چهار سال پیش ازین در ملک  
 استریه اتفاق افتاد وزیر منوچهر خدات نمایان بدولت  
 خود شش کرده بود بلکه از سعی و کوشش او بود که دولت استریه  
 از نشان و مرتبه که در میان ممالک روی زمین داشت  
 منزل نگردید است ایچی استریه مقیم لندن را پوینت پای  
 استریه خواسته و منصب وزارت دول خارجه را با او  
 داده اند اما منصب این وزیر را که فوت شده است فوز

بکسی نداده اند  
 دینکارک

است چند سال بود که اهل بلوکات این شهر و شیلزویک  
 که جزو ملک دینکارک از پادشاه دینکارک روگردان شده  
 جنگ می کردند و بعضی از اهل این شهر نیز با آنها ادای میکردند  
 حال که پادشاه دینکارک در ممالک خود مستقل مستط  
 شده است از تقصیر کل اهل آن بلوکات که مدتی جنگ میکردند  
 گذشته و عفو فرموده است

مصر

عباس پاشا حکمران آن ملک مصر علیا رفتند و در هفت  
 بود که از آنجا مراجعت بقاهره پای تخت مصر کرده بودند  
 درین روزها بسیار سعی و کوشش میکنند که راه آهن را که بنا  
 دارند باین رود نیل و بحر الاحمر بازند تمام نماید و نزدیک  
 بهشت هزار نفر عمله با آنجا فرستاده است چونکه زمین مصر  
 هموار است فتن این راه آهن در آنجا چندان اشکالی ندارد  
 در دو طرف راه نهر می کنند و خاکش از زمین وسط  
 این دو نهر میریزند که مانند خاکریز مرتفع باشد و بالای او را

راه عبور کالسکه بخار بسیارند که در اوقات بالا آمدن آب  
 رود نیل آب آن راه را بگیرد و بعد از آن فرسش از آنجا  
 خواهند کرد که میل آهن که در روی آنها میکنند مستحکم باشد  
 چون در ساختن اکثر این راهها که باید مسوار کنند تنگ  
 کوهها را باید تراشید و درخت زیاد دارد و لکن آنطرف  
 زمین مصر که این راه را می سازند از اینکه مسوار است  
 سنگ و کوه ندارد و ساختن این راه در آنجا چندان  
 اشکالی نخواهد داشت

ده هزار قشون نسبت راه مابین عقبه و مکه معظمه فرستاده اند  
 چون آن راه نا امن بود این قشون را فرستاده اند که نظم  
 در آنجا بگذارند و چون که راه ترده حاج است بسیار لازم  
 بود که نظم در آن راه گذاشته شود و در آنجا منزل منزل  
 حصار عیازند که مابین قافله و حاج باشد و درین اوقات  
 دولت علیه عثمانیه حکام و عسکر نسبت عربان  
 و مغوره فرستاده بودند

شخصی سیاح انگلیس در رود نیل سیاحت میکرد که  
 نزاعی مابین اهل این کشتی که سیاح مزبور در او نشسته بوده  
 با اهل کشته دیگر شده است و اهل هر دو کشتی از عیبهای  
 آن ولایت بوده اند این شخص انگلیس تفنگ انداخته و یکی  
 از عیبها را کشته و یکی دیگر را زخمی نموده بود حال پیر  
 این شخص سیاح تخمین میکنند که معلوم نمایند تقصیر  
 باین تقصیر بوده

و کوه و لوطن برغ و اما و علی حضرت امیر طور روس که در  
 مصر سیاحت میکرد کشتی جنگی بخار پاشای مصر را مورد  
 شده و بشهر طریبت روانه شده بوده است و در اوقات

۳۹۶

وقت شاهزاده نرگس و در مصر عباس شاه با او ششهای اجازت  
معمول داشته بود

در اسکندریه مصر بسیاری از اوطاق است مالک خوب فرنگستان  
جمع میزند مخصوص از مالک ایتالیای و یونان و استریت و مجاری  
و غیره و در میان آنها نظم گذاشتن بسیار مملکت زیرا که  
هر یک در زیر حمایتی از دول خارج اند و قونسلهای دول  
مربور که در آنجا هستند آن زور و تسلط دارند که در میان رعایای  
خودشان نظم درست بگذارند در سه ماه گذشته دو هزار  
نفر از فرنگیها کشته شده اند و شهباده که چهار دزدی و بی حسابی  
زیاد می کنند و از وقت اسکندریه قونسلهای دول خارج  
منیم آن شهر کاغذ نوشته بود که بلکه نظمی میان رعایای دول  
خودشان بگذارند که اینگونه بی حسابی موقوف بشود و  
کسانی که ضرر زیاد این اعمال میدیدند فرنگیهای ساکن اسکندریه  
بودند که خاطر بعضی از مال و جان خودشان نداشتند اصل  
اهل آن ولایت که عریب باشند مردمان بی ضرر و خوش خوی و  
خوش سلوک اند و در میان آنها کم اتفاق می افتد که کسی شرارت  
بکند و مقصر بشود و اگر هم از آنها چنین اعمالی اتفاق بیفتد چاکران  
و پوانی مصر زود تفتیش و رسیدگی کرده قبیله می کشند

در ایام عید نوروز طوفان بسیار در اسکندریه شده و ضرر  
زیاد بکشتیها زده بوده است

### میسکی دنیای شمالی

در روزنامه گذشته نوشته بودند که دولت میسکی دنیای شمالی  
بنیاد استند که کشتیها بابت بجزئی و چین بفرستند خصوص  
بجزیره جپان که جپان نیز میمانند و شت کشتی حاضر کرده اند

که سه صد و آنجا هر یک چهل تا پنجاه توپ دارد و ما بقی کو چکتر  
دنیاداشته اند که مملکت جپان رفتن بازخواست از اهل  
آنجا بکنند بجهت ظلمی که تجار و کشتیها مان میسکی دنیا کرده بودند  
تا بحال مانند مملکت چین تجار و سیاح و غیره را میان این ولایت  
راه نمیدهند صاحب منصبان کشتیهای مربور که بان است  
میرند میخواستند طوری بکنند که بعد ازین در آنجا هم اذن  
سیاحت باشد و هم اذن تجارت و در خصوص احوالات  
این مملکت درین روزنامهها اینطور نوشته اند که این ولایت  
تا بحال جپان است و فرنگیها در آنجا اذن تجارت نداشتند مگر  
از اهل آنکه که سالی دو کشتی با آنها میفرستادند و اجناسی که  
این دو کشتی می آوردند تخمیناً بقدر صد و پنجاه هزار تومان پول  
ایران می شد از جمله قند و شکر و قلع و ریسمان چوب و  
فلفل سیاه و میخک و مرنب و چون بصدل و ماهوت و غیره  
و در عوض اینها اهل جپان مسکین و کافور و چندین چیز دیگر میدادند  
تا غیر از اهل چین کسی بکرا اذن آمد و رفت بی اذیت در آنجا  
نداشت اول اهل چین هم این فاعده را داشته اند اما بعد از جنگ  
به دولت انگلیس حال آنست سابق راه با ولایت کشوده است  
اهل میسکی دنیا حال چنین جپان می کنند که اگر کار بچکان کشند  
از این کشتیها و قندن بجزی که فرستاده اند کارشان پسر  
خواهند برد اگر چه اهل جپان از اهل چین رشید تر اند و بهتر  
جنگ می کنند و مثل اهل چین بی جرئت نیستند و اگر بخواهند  
عهد نامه را بکنند دولت میسکی دنیا منظورشان این است که  
بجهت کل اهل روسی زمین اذن تجارت و تردد در آن ولایت بکنند  
و اهل کشتیهای تجارت که در آن حسرت سیاحت می کنند  
بسیار اذیت می کشند از اینکه اهل جپان میگذرانند که با آنجا

بروند پارسیال اهل کشتیها که بآن دریاها بجهت های گرفتن  
 رفته بودند میخواستند در سنگام طوفان که توشش غرق شدن  
 بود بسکی از لنگرکاهای چپان بروند اهل آسجا نو پت کشتیها  
 ز نور انداختند و اهل کشتیها لا بد شدند که با توشش زنج  
 هلاکت بجای دیگر بروند در یکی از روزنامه های انگلیس  
 رفتن کشتیهای بسکی دنیا چنان نوشته اند که حالا دولت  
 بسکی دنیا بنای جنگ با آن ولایت دارند تا آنوقت که  
 جواب از حکمران جزیر چپان بیاید دوستان سابق  
 بر این ایام انگلیسها تجارت درین ولایت داشتند  
 چونکه اهل انگلیس که با آنها میرفتند ازیت زیادی کشیدند تا  
 مدتی نرفته بودند و تجارت این ولایت نسبت بایل دول  
 خارج از هر طرف منقطع شده بود مگر جزون که در دست  
 اهل ولایت مانده بود

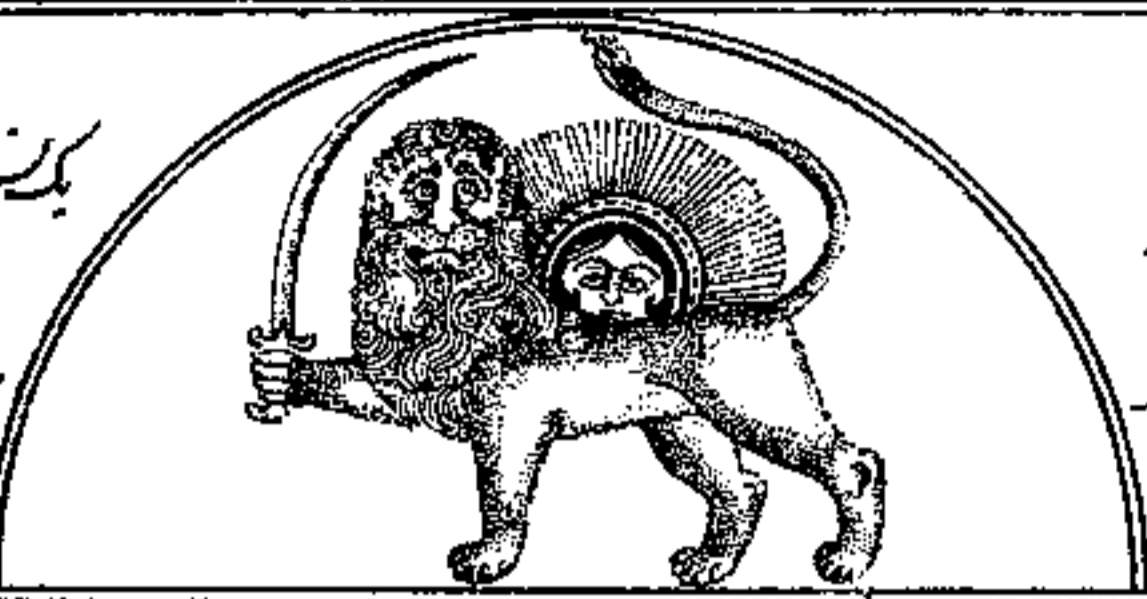
### اعلانات

در روزنامه مغتبه که کشته کتاب جغرافیا که ترجمه سوسو  
 رفاتی و در نزد سوسو و جیبارتی تاجر فرنگی در کاروان  
 جدید فروخت میشود و اعلان شد و چونکه کتابی است که  
 بسیار بکار اهل ایالات میخورد و با کمال دقت و صحت  
 نوشته شده است مجبورا اعلان می شود که این کتابها یک  
 چهار هزار دینار فروخته می شود و هر کس او نقشه  
 کل مالک دوی زمین هم فروخته میشود که باین تفصیل است  
 اول نقشه کل کره ارض دویم نقشه کل مالک  
 ایران که صغیر ملاحظه است سیم نقشه آریاکا  
 ایران و تاتارستان و هند و چین و عربستان و غیره  
 از مالک روم داخل این اقسیم است چهارم نقشه کل

که جزو آسیاست از ترکستان و بلوچستان  
 پنجم نقشه عربستان و مصر و تونس  
 ششم نقشه هندوستان و غیره هفتم نقشه  
 ولایت سبز و چین هشتم نقشه مالک عثمانیه  
 که در قطعه آسیا واقع است نهم نقشه قطعه  
 اوروپا که عبارت از فرنگستان باشد دهم  
 نقشه ولایت اسپانیول که اندکس هم مینامند  
 یازدهم نقشه پورتو قال یازدهم نقشه مالک ایتالیا  
 دوازدهم نقشه جزایر انگلیس سیزدهم نقشه  
 مملکت فرانسه چهاردهم نقشه مالک روسیه  
 که در اوروپا واقع است پانزدهم نقشه ولایت  
 ایسیوچره که سیویس هم مینامند شانزدهم نقشه  
 ولایت یلدره هفدهم نقشه ولایت یومان هیجدهم  
 نقشه ولایت میونین و نارتوی نوزدهم نقشه مالک عثمانیه  
 که اوروپا حجاب میشود بیستم نقشه امریکای جنوبی و شمالی  
 که بسکی دنیا میباشد بیست و یکم نقشه امریکای جنوبی  
 بیست و دویم نقشه امریکای شمالی بیست و سوم نقشه  
 جزایر انشیل و ولایت کلینی بیست و چهارم نقشه ولایت  
 افریقا بیست و پنجم نقشه ولایت آسیا  
 کتاب چپان که در مغتبه که کشته اعلان شد  
 بر جلدی چهارم هزار دینار فروخته میشود  
 کل این نقشه نایب و تومان فروخته میشود اما اگر کسی  
 هم کتاب دهم نقشه را مشتری باشد هر دو  
 به تومان هم فروخته میشود

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه چهارم بهمن ماه شعبان المعظم مطابق سال سی و چهارم سنه ۱۲۶۱

قیمت روزنامه  
یک نسخه در هر ماه چهار تومان  
قیمت اعلانات  
یک خط تا چهار خط هر خط  
بیشتر با هر خط چهار



نزدیعت  
هر سردر طراز یک نسخه  
در زیر روز باشد در بار  
جبهه در دو کال شنبه  
بود فرودش فرود شنبه

## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دارا خلاق طهران

در روز شنبه هفتم این ماه اعلیحضرت پادشاهی سوار شدند  
اول میان افواج قاهره نظام که در سیدان خارج دروازه  
دولت مشق مینمایند تشرفین بروند و در آن روز بیوهی  
وسر بار کیت با روط و فشک سر باری حسب الامر داده  
شده بود و در حضور بایون پادشاهی مشق شیلیک کرده  
و بسیار خوب و جلد و چابک تیر اندازی و حرکت نمودند  
مشق و حرکت آنها پسند خاطر اعلیحضرت پادشاهی گردید  
سور و تحسین و نوازشات ملوکانه کردید و بعد از تماشای مشق  
توپچی و افواج موکب بایون بجهت تفریح و تماشای بنادران  
و شیرازات حرکت فرموده و بعد از تماشای آن با طرا  
بهارت سلطانی ارک مرجهت فرمودند

و این خدمت مقرب انخاقان مشارالیه بخصوصه در نظر  
اقدس اعلیحضرت شایسته بسیار پسندیده و مقبول  
افتاد و لهذا محض رحمت و نهد افکار مقرب انخاقان مشارالیه  
این اوقات یک قطعه نشان مرتبه اول تشریف یافتند  
حمایل سرخ که مخصوص این مرتبه است مقرب انخاقان  
مشارالیه رحمت و عنایت فرمودند و چون این اتفاق که  
در باره ایشان بدولت افتاد از مرحمت خاص ملوکانه  
بود از برای توقیر این نشان امینای دولت طلبه سر اوار  
چنان دیدند که نشان و حمایل و فرمان مبارک را که بافتخار  
مقرب انخاقان مشارالیه شرف صدور یافته است بجهت  
عاجیای مقرب انخاقان میرزا مصطفی قلی پسر مقرب انخاقان  
وزیر نظام ارسال فرمایند

چون مقرب انخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام حسب الامر  
دولت قاهره در روانه کردن پیشش فرج و بیکه از نفر توپچی  
دارا خلاق کمال جهد و استقامت بعمل آورده و در مدت دو ماه  
موجب جمیع افواج احضار بر داده هر فوج را با نظام  
ار استکی تمام روانه در باره سوگمذار بایون نموده بود

چون مراتب خدمات و صداقت و ارادت عاجلیای میرزا  
ابراهیم سیحی اصفهانی مترجم سفارت دولت طلبه  
مقیم لندن معروض خدمت بایون و مقبول و مستحسن رای  
و اقتضای خورشید نون شانه گشت لزوم تمت بایون  
افتاد که عنایتی مخصوص در باره او ظاهر رساندند لهذا او را بجهت

۳۹۹



بند خانی مهابی و مقرون مفاخرت لایقهای فرمودند تا از روی  
 کمال امیدواری در مراتب خدمتگذاری و ارادت نشانی افزوده  
 خود را زیاده مورد مرحمت خاطر اقدس جایون سازد  
 چونکه منظور علیحضرت پادشاهی از راه انداختن این روزنامه  
 در دولت علیایران استحضار و آگاهی مالی ممالک محروسه  
 از احکام دیوانی و مناصب و اموال و عزل و نصب حکام و اجناس  
 داخله و خارجه است و در باب انتظام کار روزنامه بکرات فرمایند  
 مگر آنکه فرموده اند لهذا اولیای دولت قاهره حسب الاشارة لعلیه  
 مقدر داشتند که هر یک از حکام و ولایات که تقویت و تقویت  
 کار روزنامهها کرده باشند اسامی آنها بخصوصه درین روزنامه  
 نوشته شود از جمله نواب شاهزاده محمد علی میرزا در ایام حکومت  
 مازندران در رساندن شجوه روزنامه و زیاد نمودن صاحبان  
 اهتمام نموده اند و هم چنین نواب مصطفی قلی میرزا در مازندران و  
 علیایجه میرزا محمد علی در کسبلان و نواب سیف الدین میرزا در  
 همدان و حکام شاهرود و بطغام و سمنان و دامغان بعضی ملاحظه  
 سایر روزنامه شجوه از یادون معطلی داده اند و لایق گویند  
 یا اینکه چندان وسعت ندارد و در اول افتادن این روزنامهها  
 هیچ فریبی در روزنامه نداشتند حال از اتمام علیایجه این ایام  
 حاکم کر و س قریب سی نفر در آنجا روزنامه میسرند اگر یک  
 از حکام و صاحب اختیاران ممالک محروسه مانند این  
 اشخاص تقویت در کار روزنامه میکردند هم باعث تربیت  
 و آگاهی آنها و هم نفع دیوان اعلی و انتظام کار روزنامه بود  
 در باب شجوه روزنامهها در کل دول چنین معمول است که صاحبان

روزنامه شجوه را پیش میبینند اما درین دولت علیه  
 شش ماه پیش پهلوان آن از صاحبان روزنامه مطالبه میشود  
 و در این اوقات که نزدیک سه ماه از ابتدای زده است که  
 شجوه شش ماه اول زده پس روزنامهها که بجهت مصارف آن  
 لازم است بحکم انشای دولت علیه از قرار قبضه مباشر روزنامه  
 حواله و مطالبه می شود  
 امورات قشونی  
 این اوقات اولیای دولت قاهره حسب الامر علیحضرت  
 شاهنشاهی محض مرحمت در باره مقرب انجاقان محمد حسن خان  
 سردار از قرار فرمان جایون شست فوج از افواج قاهره  
 به نیوجیب ابوالسبح مقرب انجاقان شازلیه فرمودند  
 فوج دوم نصرت فوج ششم افواج بهادران فوج برچلو  
 فوج ماکولی دو فوج کزازی فوج خلج تم  
 نظر بجهت استعداد و لیاقت و شایستگی علیایجه عبدالغلام  
 پسر مقرب انجاقان محمد حسن خان سردار و مشمول مرحمت  
 علیحضرت پادشاهی در باره او این روزنامه اولیای دولت  
 علیه او را بنصب میرچگی مقرر فرمودند  
 بیکر خان سرنک برچلو که از قدیمی خدمتگذاران دولت علیه است  
 چون پیشتر قدرت و توانائی خدمتگذاری داشت از  
 اولیای دولت علیه چنان استعدا نمود که منصب او بر او  
 بیاسقلی چان بزرگوار مرحمت فرمایند تا خود او از دربار جایون  
 شده زیارت که معظّم زادگاه الله شرفا شرف شود  
 اولیای دولت علیه نیز استعدای او را قبول کرده حسب الامر  
 اقدس جایون بنصب سرنکی او را پیشتر حرمت و خانی فرمودند

کتابخانه  
 سازمان  
 X  
 ۴۰۰  
 ۱۳۰۲  
 ۱۳۰۳  
 ۱۳۰۴  
 ۱۳۰۵  
 ۱۳۰۶  
 ۱۳۰۷  
 ۱۳۰۸  
 ۱۳۰۹  
 ۱۳۱۰  
 ۱۳۱۱  
 ۱۳۱۲  
 ۱۳۱۳  
 ۱۳۱۴  
 ۱۳۱۵  
 ۱۳۱۶  
 ۱۳۱۷  
 ۱۳۱۸  
 ۱۳۱۹  
 ۱۳۲۰



توپچیان آذربایجانی و سایر طوائف که بجهت ساختن سوخت حاضر شده بودند هزار و هفتاد و شش نفر در رکاب سبایون سان دیده و موجب داده شد و پانصد و سی نفر از توپچیان متوقف سابق و نامور و لایا مالک محروس را مقرر فرمودند در حاجات و در خدمت محول باشند و روز پنجشنبه بمقام توپچیان مقرر گلاز و اند سرحدات شدند

فوج مخبران شقایق ابوالجمع عالیجاه قاسمخان شریف قراباغی که از جمله افواج قدیمی و با استعداد دولت شوکت اند در روز دوشنبه چهارم این ماه وارد شدند و در حین که موکب سبایون از باغ لاله زار تشریف یافت شهربان و بیان فوج مزبور تشریف برده کمال محبت در باره صاحب منصبان و آحاد فوج مزبور فرمودند و مقرر شد که در خارج دروازه شمیران پشت باغ کارستان چادر زده توقف نمایند

درین مهلت اعلیحضرت پادشاهی بیان افواج قاهره تشریف بردند و افواج شیلیک تفنگ کردند و یکی خوب شوق نمودند و در شیلیک گلاز پاکیزه شیلیک کردند بخصوص شیلیک ثانی که فوج بهادران و فوج جدید طران بسیار پاکیزه بی عیب شیلیک نمودند و مورد التفاتهای سرکار اقدس شهرباری گردیدند

فوج شانزدهم شقایق که از آذربایجان احضار برکات مبارک شده بودند در روز سه شنبه و او دهم وارد و از آنخلافت شده و در همان روز در میدان درب خانی کازمان حاضر شده و فوج مزبور بنظر جناب جلالت تاب صدر اعظم

رسیده و بجهت اینکه در عرض راه جنسلی با نظام آمده بودند از آنها اظهار رضامندی نمودند و بعد از آن حضرت امین بیون شامشاهی در میدان ارک بیان فوج مزبور تشریف آوردند و تماشای مشوق گشت آنها نمودند

فوج بهادران که مدتی بود حاضر رکاب حضرت انتاب شده بودند در روز شنبه نهم سان دیده شد هزار و هفتاد نفر حاضری فوج مزبور بود که در حضور لشکر بوسان سان دیدند

سایر ولایات

کرمان از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شد بود پانصد نفر سرباز و توپچی که در قلع سرباز ساخلو بودند از بدی آب و هوای آن صفحات ناخوش شده اند نواب شاهزاده موئیدالدوله طلاس سیرا حکمران کرمان از برای هر یک از صاحب منصبان آنها خلق فرستاد و طبیبی روانه کرده بودند که رفقه آنها را مداوا و معالجه نماید که بعد از بهبودی بکرمان بیایند و عوض آنها دسته دیگر روانه شوند

عربستان

از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بودند در ماه جب معارن غروب آفتاب هوا تیره گردیده و وقت طلوع شام رعد و برق در بلده و زفول اتفاق افتاد که یکس خیر طوفان یادداشت بعد از آن بنای باریدن کرک گذاشته و چنان سیلی در کوههای دزفول روان شد که اکثر کاد و الایع که در آنجا ایزحرامی آوردند سیل پیش کرده بعضی را برده تلف کرد و بعضی آهنگر و اکثر خانهای شهر انیر رعد و برق وسیل ضایع کرده بود

### آذربایجان

از قرار یک روزنامه آذربایجان نوشته شده بود که مقربان  
وزیر نظام بعد از رسیدن حکم اتمام کسرافواج فوراً احکام  
های آن را بصاحب منصبان ابلاغ کرده التزام گرفتند بود  
که کسرافواج را بزودی گرفته با تمام برسانند و تا بحال  
اغلب کسرافواج گرفته شده است  
دیگر در روزنامه آذربایجان نوشته بودند که چندین  
یک لنگه مال فرنگ از کاروانسرای حاجی حسین در تبریز  
سرقت شده بود این روزها در سلاسل مال مزبور  
پیدا کرده اند و نواب شاهزاده حشمت الدوله حمزه میرزا صاحب  
ملکت آذربایجان حکم نوشته و محصل فرستاده اند  
که سارقین را با اموال گرفته بیاورد تا از آنها تنبیه کامل  
بعل آورده و اموال را بصاحبش رد نمایند

### قزوین

از قرار یک روزنامه قزوین نوشته شده بود که مقربان  
خسروخان والی حاکم قزوین این اوقات بنا دارد که خانه  
خیابان را که جلو خان عمارت دیوانی قزوین است با آجر  
فرش کرده و وسط خیابان را هم سطح نموده عوض آب میسم که  
از قدیم در محاذی درب عمارت واقع بوده است مجدداً  
ساخته شود چند روزی است که اقدام باین کار نموده است  
و هم چنین در صد و اربعای قنات محله خیابان که آب آن  
از عمارت مبارک میگذرد برآمده و نخوای معنی راده است  
که در آنجا کار نماید

اعلیحضرت پادشاهی که سبته شد باز هم تمام بود  
این اوقات مقربان سخاقتان مشارالیه بجهت اتمام کار سبته  
و تعمیر و ساختن قلعه و دور شهر و عمارت شاهی نخوای تخریب  
اللهوردی خان قزوینی نموده که این کار را با تمام برساند  
در سنگهای اوزان قزوین از قرار یک نوشته بودند که خطا  
بوده است این اوقات مقربان سخاقتان مشارالیه سنگها  
جمع اصناف را داده از این ساخته اند و در ضرابخانه مهر  
کرده اند که بعد از این کسی نتواند از عیار سنگ داد و سبته  
کم کرده نقیب نماید

از قرار یک نوشته اند در باب اموالی که سرقت بشود قرار  
خسروخان والی بر این است که از خود بصاحب مال کارساری  
نماید و بعد از دزد پیداکند و بگیرد از جمله دکان شخصی علاقه بند را  
دو ساعت از شب رقبه بریده بوده اند نیز مقربان سخاقتان  
رقبه نخوای گفته است حاضر کرده اند و بآن شخص تکلیف کرده است که  
آنچنان دکانت برده اند این نخوای بردار آن شخص هم خجسته مان  
و بعد از دور و سارق بدست آمده و مال را از او مطالبه کرده است  
و همچنین در سه فرسخی شهر قزوین هفت کس کلاه حاجی میر  
عبدالباقی خان ایلات اطراف شهر سرقت نموده بوده اند قنات  
آنها را مقربان سخاقتان مشارالیه از خود داده و بعد از سه روز کار را  
در آنجا که برده بودند آورده سرداده اند و دزدان را گفته است حکماً  
میخواهم و میکندم

نوشته بودند که در ماه حجب بقدریت دقیقه لایخط مکرر شده است  
در قزوین باریده است که تا سه روز در زمین باقی بوده است این مکرر  
نیچو ضربی ساعات و اشجار شمره رسیده است حتی نوشته بودند که  
در بلوک قافران از صد مین بلوک بعضی را که سفید و غیره نیز تلف شده

از قرار

احوال استعمره

در روزنامه اصیر نوشته اند که چایارد بان از استلا  
 سلاویک می آمده است در راه دزدان بسیار و بخت  
 او را با سوز و غمی که همسرش بوده است کشته اند و کاغذ  
 و پول که داشته اند برده اند اما درین روزنامه یکی از  
 اهل یونان ساکن جزیره متفرگرفتند که اسباب  
 چایارد بود و در نزد او پیدا شد و چند نفر دیگر نیز که از  
 اهل یونان و از همین دسته دزدان بودند در یونان  
 گرفتند و اسبید دارند که این دزدان را که دست  
 بزرگ اند درین روزها چاکران دولت همه را دستگیر  
 درین روزنامه نوشته اند که در شیرپای تخت  
 یونان انتشارش غریب اتفاق افتاد شبی موافق قاضی  
 آن شب با چراغ و شعل و علم و بیستق و اسباب تمام  
 اکثر است و اعیان ولایت و وزرای پادشاه با  
 نفع جمعیت و کثرتها میگردیدند یکبار در میان این جمعیت  
 خوف افتاده و خود بخود بروی حد بگریختند شمع و یک  
 و سیدق و سایر اسباب را برین ریخته و پامال کردند  
 و زرا و زوالها و صاحب بفسان همه مغشوش شده  
 و بروی سم افتاده که ریختند و متفرق شدند و یکی از  
 اولایت از ترس رفقه خودش را در میان نور پنهان  
 کرده بود تا چند ساعت کل اهل شهر خوف تمام برداشته بود  
 صبح که شد درین گذارش تحقیق کردند معلوم شد که شخصی از روبرو  
 تراوانا نمیکند است خواسته است که برین فکری بجهت کشیدن  
 چنین روش نماید و اول نافع شده و سبیلی باورده بود و جنگ

سیان این دو نفر شد اهل شهر حمایت این شخص و تراولها و اول  
 نظام بجمایت قرارل مشغول جنگ و تیراغ شدند اما کسی کشته  
 نشده بود بلکه غیر از چند نفر سرکشته زخمی و دیگر در میان  
 خود از صدای این جنگ خبری مردم ترسیده و با بنویسند  
 بودند

در روزنامه اسلابول نوشته اند که بزرگ گزهای بیکار  
 اسلابول درین روزها دسته دزدانرا که مشهور بخانه برین  
 و سایر اعمال بدقت و غیره بوده اند دستگیر کرده است و اینها  
 بیجده نفر بوده اند و در اسلابول محکوم گردیدند

ایضا در همان روزنامه نوشته اند که در شب پانزدهم جمادی  
 نزدیک بوقت صبح میان عمارت موسی پاشا که سابقا در  
 محاسبات بود و حالا حاکم انقزات آتش افتاد و این عمارت  
 در محله با عچه قاپوسی واقعت چونکه در عمارت باغ بود و  
 انفصال بجانهای دیگرند شب بجای دیگر آتش سیرت گردان  
 آن عمارت که یکی از بهترین عمارت اسلابول بود گلا سخته و بعد  
 از چند ساعت دیگر غیر از خاکستر آثاری دیگر از او نماند

در روزنامه جزیره اسلابول نوشته اند صیادان از  
 ماهی بزرگ که بجهت روغن کباب میکنند میرند از جمله چهار سال قبل ازین  
 از این اشخاص کشتی نشسته بکارهای بدترت بود چون در سه سال  
 از آنها خبری نیامد و معلوم شده بود که مرده اند یا زنده  
 زندهای آنها از زنده بودن آنها باورس شده شورهای دیگر  
 خود اختیار کرده و اموال شورهای اول را بقانون ارت تقسیم نمودند  
 چهار سال معلوم شده است که کشتی آنها در خلیج قلمو با غمی غرق شده است  
 اما خودشان بسلامت درآمده اند

۴۰۳

مخوب بود دیگر آنکه چون رویش میسناناست شکل بهتر بنظر می آید

در روزنامه پاریس نوشته اند که شخصی در ولایت فرانسه که وصی لوی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه است که اموال مهر و که او را جمع کرده بفروشد و حسابش نوشته اند که انقدر از چینی اعلا که در عمارت لوی فیلیپ که نویی بنام در ایام انعقادش آن ولایت نگه داشته اند که طمان چینی ای نگه نگار خانه میورده هزاره ششصد و چهار فرانک و نیم که تخمینا یک هزار و شصت و شصت با جاقول ایران باشد فروخته شده است کارخانه چینی بیان

سور که در پاریس است مشهور است که بهترین چینی های فرانکستان در آنجا ساخته میشود و در جاهای دیگر مانند آنجا نمی توانند بسازند

درین روزها در لندن آتش سنجانه افتاده است که ابتدا بطور غریب بوده است در آن خانه مرغی داشته اند که از میسنانند این را عجیبی از کبریت های فرنگی بنقل کرده و بزین میاید است کبریت آتش گرفته و پیردای طمان سربت کرده نصف خانه را سوزانده بود

در شهرهای سنت بطرز بویخ و کونین باکن و چند شهر دیگر در کنار دریای بالتیک ای که از دریا میگیرند زنده در میان کشتی نگاه میدارند تا بفروش برود با بنظر که میان کشتیها جانی ساخته اند مانند حوض و آب از دریا با بنجاد اخل می شود مای که با تور از دریا میگیرند میان این حوض می اندازند و درها بنجامند و تیکه شتری می آید که مای بخرد مای فروش هر مای که مشتری بخواد

اولینکی دنیای شمالی در شاشن کشتیهای تیز و کمال مهارت را بهم رسانده اند و حال از اول انگلیس مشیر

و بهتر میزند و کشتیها یک آنها بجهت تیز و در رود خانهها ولایت خودشان می سازند و در هر ساعتی بخرنخ و نیم را

میرود و چون معلوم است که تجار و تیکه مال بولایت فرانسه میفرستند در میان کشتیهای تیز و دستکم یکدازند که هم روز و ربعصد برسد و هم توشیح عرق شدن کند و شش

حال بعضی از تجار کشتی سازهای ولایت انگلیس توشیح کرده اند که اگر مثل این کشتیها سازند کشتیها را اینطور بسازند قدری از تجارت ولایتها و از دستشان بیرون رود

شخصی در ولایت انگلیس اسبابی ساخته است بجهت تیز آجر و سوفال پوشش نام و تنبوشه و درین روزها امتحان کرده سه نفر عمده در کار چرخ او مشغول شده اند و در یک ساعت و چهار

دوازده اند و چرخ دیگر که بجهت ساقین سوفال و غیره درست کرده اند در یک ساعت هزاره و تنبوشه بان زدند و بعد از آن از بر قسم سوفال و غیره بان چرخ زدند و قیمت این چرخ که تنبوشه و سوفال و غیره بان ساخته میشود هفتاد تومان است و گمان دارند که جنبی بکار مردم بیاید

در روزنامه های گذشته تفصیل گرفتن شکل اشخاص غیره در سجنتمه نقره نوشته شد درین روزنامهها نوشته اند

که شخصی درینکی دنیای شمالی یک چیزی دیگر درین آینه عکس برداشتن اشکال اختراع کرده است که روی صغیره اندازد که عکس برداشت مانند مینا کاری میشود و چندین قابیه دارد و یکی اینکه نمی گذارد که این شکل صنایع بشود یا زود